

ایران تشنه انقلاب

بیانیه پلنوم پنجم

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

به مناسبت سالروز جنبش انقلابی ژینا

شهریور ۱۴۰۲

زمینه ها، کامیابی ها

از ۲۵ شهریور سال ۱۴۰۱، یعنی از آن زمان که قتل حکومتی ژینا امینی به مانند جرقه ای خشم و اعتراض توده های به جان آمده از فشار فقر و بیکاری و گرانی سرسام آور، خشونت و تبعیض های جنسیتی و محرومیت ها و بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی را شعله ور ساخت، یکسال می گذرد. این جنبش انقلابی محصول انباشته شدن تضادها، تبعیض ها و نابرابری ها و خشم فروخورده توده ها از ادامه این وضع است. بحران ساختاری اقتصاد سرمایه داری ایران درآمیخته با رانت خواری و فساد نهادینه شده در سراسر ارکان حکومت اسلامی و تأثیرات ویرانگر آن بر کار و زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشان از یک سو، و روند رو به گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری و وقوع خیزش های انقلابی از سوی دیگر، زمینه های عینی و ذهنی ورود جامعه به یک دوره انقلابی را فراهم آورده بود.

خیزش انقلابی جاری در ادامه خیزش دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و با سه ماه اعتراض ها و جنگ و گریز خیابانی یکی از گسترده ترین و طولانی مدت ترین خیزش های انقلابی در بیش از چهار دهه گذشته است. چون خیزش های قبلی زمین را برای خیزش ژینا شخم زده و تقویت کرده و تحولات عظیمی در آگاهی و ذهنیت کارگران و توده های مردم و به ویژه زنان عاصی از نظام آپارتاید جنسیتی ایجاد کرده بودند. خیزش دی ماه ۹۶ که به بیش از دو دهه سلطه گفتمان اصلاح طلبان حکومتی بر فضای سیاسی ایران پایان داد، هیچ مجالی برای مانور سیاسی حقیرانه اصلاح طلبان باقی نگذاشت و به این اعتبار فصل تازه ای در مبارزه سیاسی و طبقاتی و مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی را ورق زد. خیزش آبان با یورش به بانک ها، مراکز نظامی و مراکز مذهبی این نمادهای حاکمیت رژیم سرمایه اسلامی و با استقامت و پایداری جانانه ای که در برابر سرکوب سبعانه و خونین حکومت اسلامی از خود نشان داد، به استراتژی گذار مسالمت آمیز اپوزیسیون بورژوازی از رژیم اسلامی ضربه کاری وارد آورد و گفتمان گذار انقلابی از رژیم جمهوری اسلامی را تقویت کرد. این دو خیزش به محرکه های نیرومندی برای مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر تبدیل شدند و میل درونی کارگران را برای مبارزه شدت بخشیدند. به طوری که جنبش کارگری ایران در سالهای

پلنوم پنجم
کمیته مرکزی

CPI

حزب کمونیست ایران

جنبش جاری،

انقلابی و برخاسته از تضادهای طبقاتی است!

حزب کمونیست ایران پس از چهل سال!



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در محکومیت تهدیدات جمهوری اسلامی برای خلع سلاح

نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق!

اکسیون سراسری در حمایت از
سالگرد جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی"
شنبه ۱۶ سپتامبر

فراخوان

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست همه مردم آزادیخواه را فرا می خواند که فعالانه همگام و همراه با نیروهای چپ و کمونیست در همه کشورها، با برگزاری اکسیون، همبستگی و هم صدایی خود را با جنبش های اجتماعی در ایران نشان دهیم.





اخیر هزاران اعتصاب و اعتراض بزرگ و کوچک را تجربه کرده است. خیزش انقلابی جاری که با نام رمز ژینا رقم خورد به همه این دستاوردها و داده های عینی متکی بود، از این رو با شکوهی چند برابر عظیم تر از خیزش های قبلی پا به میدان گذاشت. این خیزش انقلابی در همان روزهای اول جنبش رهایی زنان، جنبش انقلابی کردستان و جنبش دانشجویی و اعتراضات تهیدستان حاشیه شهرها را به هم پیوند زد و چنان صاعقه آسا گسترش یافت که سران رژیم و نیروهای سرکوبگر آن و حتی قدرتهای سرمایه داری جهانی را غافلگیر کرد.

این جنبش انقلابی با پیشتازی زنان و با شعار "زن، زندگی، آزادی"، نه روسری، نه توسری، آزادی، برابری" و "مرگ بر دیکتاتور" و با اقدامات نمادینی مانند دورافکندن روسری ها بر کف خیابان و سوزاندن آنها و رقص و پایکوبی به دور شعله های آتش زیباترین صحنه های خود را آفرید و پایه های ایدئولوژیک حکومت اسلامی را در هم کوبید. این خیزش با تعرض به نیرومندترین پایگاه اسلام سیاسی با قوانین سخت دینی در خاورمیانه و شمال آفریقا جنبش رهایی زن در منطقه را وارد فاز نوینی کرد و به الگویی برای جنبش رهایی زن در این منطقه تبدیل شد. این جنبش پرشور انقلابی پرونده آن بخش از اپوزیسیون مذهبی که بعد از پایان کار استبداد دینی سودای حکومت مذهبی بورژوازی دیگری زیر نام "جمهوری دموکراتیک اسلامی" را در سر می پروراند را نیز بایگانی کرد. این خیزش با فریاد شعار "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد، چه رهبر"، که در خیابان ها و دانشگاهها طنین انداز شد نشان داد که اپوزیسیون سلطنت طلب هیچ جایگاهی در میان زنان ستمدیده، کارگران و زحمتکشان و تهیدستان جامعه ندارد. این جنبش انقلابی به لحاظ بازتاب جهانی آن و جلب حمایت و همبستگی افکار ترقی خواه و پیشرو در سراسر جهان نیز جایگاه منحصر به فردی را در تاریخ جنبش آزادیخواهانه مردم ایران به ثبت رساند.

این خیزش انقلابی فراتر از این کامیابی های سیاسی در عرصه تاکتیکی و زیبایی شناختی هم تکامل یافته تر از خیزش های قبلی ظاهر شد. تاکتیک تلفیق اعتراض های خیابانی با اعتصاب عمومی در سطح شهر، برپایی اعتراض های خیابانی محله محور همزمان در چندین نقطه و محله از شهر و ایجاد راهبندان برای محدود کردن قدرت مانور نیروهای سرکوبگر، به دام انداختن و فراری دادن این نیروها، در برابر

تعرض سرکوبگران تعرض متقابل به پایگاهها و مراکز نظامی رژیم، تسخیر و آزادسازی چند منطقه از شهر برای چند ساعت، تبدیل کردن دانشگاهها و مدارس به مرکز اعتراض و اعتصاب که هزینه سیاسی سرکوب در این مکانها برای رژیم سنگین تر است، از جمله تاکتیک هایی بودند که در این دوره به کار گرفته شدند. در جریان این خیزش مراسم گرامیداشت جانبازان در شهرهای مختلف به نماد همبستگی مبارزاتی و تاکتیکی مؤثر برای توده ای تر کردن این جنبش انقلابی تبدیل شد. این خیزش با همراهی نویسندگان و شاعران و هنرمندان انقلابی و سینماگران ترقی خواه بیش از هر جنبش سیاسی دیگری زیبایی خود را به تصویر کشید. انتشار گسترده تصاویر مراسم آتش زدن و چرخاندن روسری ها، کنش نمادین و مقاومت تک نفره دختران مقابل نیروهای امنیتی با مشت های گره کرده، سرودهای رزمی و اعتراضی، رژه نمادین زنان بدون روسری، پایکوبی جمعی به دور آتش روسری ها، عمامه پرانی، تصاویر گرافیتی و... اینها همه بخشی از ویژه گی های زیبایی شناختی این خیزش شکوهمند بودند. سازماندهندگان این اعتراض ها با به کار گرفتن این تاکتیک های متنوع و هنر زیبایی شناسی سران رژیم و نیروهای سرکوبگر آن را حقیر و کلافه و سردرگم کرده اند.

سازمانیابی و رهبری

جنبش انقلابی جاری بر خلاف تصور سران نیروهای اپوزیسیون بورژوازی که آن را اساسا یک جنبش خودجوش و خودبخودی معرفی می کنند، در سطح محلی از درجه نسبتا بالایی از عنصر سازماندهی و رهبری برخوردار بوده است. در همانحال اعتصابات و اعتراضات سراسری معلمان و تداوم یکشنبه ها، دوشنبه ها و سه شنبه های اعتراضی و سراسری بازنشستگان پتانسیل موجود برای سازمانیابی و رهبری سراسری را نشان می دهد. طی یک سال گذشته ما شاهد حضور نسلی از رهبران و فعالین و سازماندهندگان اعتراض های جاری بوده ایم که با اینکه جوان هستند، اما دو خیزش عظیم انقلابی طی پنج سال گذشته، خیزش های توده ای علیه فقر و گرانی و تأثیرات موج اعتصابات کارگری در سالهای اخیر بر فضای سیاسی جامعه را تجربه کرده اند. زنان و مردان جوان انقلابی در محلات برخی از شهرها در یک شبکه مبارزاتی به هم مرتبط شده اند و ارتباط زنده و نسبتا ارگانیکی با محیط فعالیت خود دارند. نهادها و تشکل های مختلف دانشجویی در دل همین اعتراض ها ایجاد شده اند. در

رمز پیشروی

جنبش انقلابی جاری به رغم دستاوردهای عظیمی که داشته و با وجود شور و امیدی که در جامعه ایجاد کرده است، اما هنوز همه نیروهای اجتماعی خود را به میدان نبرد نیاورده است. با اینکه جامعه ایران بعد از قتل حکومتی ژینا به سرعت وارد یک فاز انقلابی شد و اعتراضات و جنگ و گریز خیابانی در بسیاری از شهرهای ایران به مدت سه ماه ادامه یافت، اما جنبش کارگری در همان فاز قبل از خیزش ژینا به اعتراضات و اعتصابات خود ادامه داد. تلاش کارگران برای برپایی اعتصاب و تجمعات اعتراضی در صنایع نفت و پتروشیمی، در هفت تپه و چند مرکز کارگری دیگر در همبستگی با این خیزش انقلابی با سرکوب شدید و دستگیری ده ها تن از کارگران مواجه شد. شدت سرکوب در مقابله با جنبش کارگری، بیکاری و فقر ساختاری و نگرانی از پیامد اعتصاب بر زندگی کارگران، فقدان تشکل های توده ای و طبقاتی کارگران، نبود یک آترناتیو قدرتمند کارگری و سوسیالیستی که کارگران برای رسیدن به مطالباتشان به آن امید ببندند از جمله موانع حضور قدرتمند جنبش



کارگری در این خیزش انقلابی بود. این اختلاف فاز بار دیگر نشان داد که همه مؤلفه های یک شرایط انقلابی همزمان و در هماهنگی با هم مهیا نمی شوند و افت و خیزهای مبارزه در دوره انقلابی ناشی از همین واقعیت است.

در جریان این جنبش انقلابی با اینکه اکثریت میلیونی اردوی کارگران و زحمتکشان و تهیدستان شهری و حتی اقشاری از طبقه متوسط قلبشان با اعتراضات خیابانی فرزندانانشان می تپید و از آن حمایت می کردند، اما به این اعتراض ها نپیوستند. این پدیده در ابتدای خیزش نقطه ضعف بحساب نمی آمد چون همه انقلاب های عظیم تاریخ را اقلیتی انقلابی و مصمم آغاز کرده اند، اما در ادامه همین هواداری منفعلانه به یکی از عوامل مؤثر فروکش اعتراض های خیابانی تبدیل شد. در غیاب حضور این توده های میلیونی، نیروهای سرکوبگر دشمن توانستند صفوف معترضان را پراکنده کرده و اعتراض ها را به جنگ و گریز خیابانی بکشانند. تردیدی نیست که توانایی رژیم در سرکوب خونین اعتراضات و بگیر و ببندهای گسترده، از موانع اصلی سر راه توده ای شدن این جنبش انقلابی بوده است. اما در همانحال نگرانی از تکرار تجربه شکست انقلاب ۵۷، نگرانی از خطر جنگ داخلی و سوریه ای شدن ایران که اصلاح طلبان حکومتی و بخشی از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی آن را دامن می زنند و هم چنین نبود یک آلترناتیو رهایی بخش نیرومند در صحنه سیاسی جامعه که توده های مردم بتوانند به آن امید ببندند از دیگر موانع سر راه توده ای شدن این جنبش انقلابی است.

نیروهای اپوزیسیون

با ظهور جنبش انقلابی ژینا نیروهای اپوزیسیون بورژوازی تحرک تازه ای پیدا کردند. رضا پهلوی در رهبری سلطنت طلبان افراطی از همان آغاز تلاش کرد با تبلیغ شعار مردسالارانه و ناسیونالیستی "مرد، میهن، آبادی" در برابر شعار "زن، زندگی، آزادی" ماهیت اهداف این جنبش را مسخ کند و آن را به بیراهه ببرد. در ادامه با سازماندهی باندهای لمپن و فلانژنیست سلطنت طلب و حمله به تجمعات نیروهای چپ و ترقی خواه در خارج کشور خواست که پرچم شیر و خورشید این نماد ارتجاع سلطنت پهلوی را به راهپیمایی های خارج از کشور تحمیل نماید. وی سپس با سازمان دادن کمپین "وکالت می دهم" و در واقع بیعت گیری تحت عنوان وکالت سیاسی، سعی کرد پروژه تحکیم اقتدار فردی خود را پیش ببرد. در ادامه

تراشی و به بیراهه بردن این جنبش را از نظر بگذرانیم. نیروهای جنبش چپ و کمونیستی با امکانات رسانه ای محدودی که دارند در برابر این بمباران تبلیغاتی ایستادند و در مرزبندی با نیروهای چپ پوپولیست با افشای ماهیت واقعی این تبلیغات و پروژه های سیاسی اپوزیسیون راست بورژوازی تلاش کردند که افق انقلابی و سوسیالیستی را پیش روی این جنبش قرار دهند. با اینحال جنبش کمونیستی هنوز از ایفای نقش میدانی در امر سازمانیابی و رهبری و سر و سامان دادن به پایه اجتماعی آلترناتیو سوسیالیستی فاصله دارد. اوضاع متحول کنونی از شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست می طلبد که بیش از گذشته در نقش رهبری سیاسی ظاهر شده و برای انسجام بخشیدن به قطب چپ و سوسیالیستی در داخل و خارج به طور نقشه مندتر عمل کند.

موازنه قدرت

با گذشت یکسال از آغاز جنبش انقلابی جاری همین ارزیابی عینی از موقعیت این جنبش آنگونه که قابل پیش بینی بود نشان می دهد که این جنبش نتوانسته است به اهداف روشن خود که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و پایان دادن به اشکال گوناگون ستمگری بود دست یابد. این جنبش همه نیروی خود را به میدان نبرد نیاورده و ملزومات سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را فراهم نکرده است. اما اگر جنبش انقلابی قادر نشده است رژیم اسلامی را به زیر بکشد، رژیم جمهوری اسلامی هم نتوانسته توده های پیاخته را شکست دهد و مرعوب کند. جنبش انقلابی جاری به رغم فاصله گرفتن از اعتراض ها و جنگ و گریزهای خیابانی هر روزه سه ماهه اول، به اشکال مختلف و برای نمونه در شکل اعتراضات سراسری بازنشستگان، جنبش مقاومت زنان در برابر حجاب اسلامی، ادامه اعتراضات توده ای در سیستان و بلوچستان، اعتصابات و اعتراضات کارگری، اعتراضات پرشور دانشجویان، تجمعات اعتراضی موضعی و ... ادامه دارد. اگر رژیم توانست اعتراضات خیابانی را سرکوب خونین فروکش دهد، توده های پیاخته هم با رزم و مقاومت و شجاعتی که در کف خیابان از خود نشان دادند، با تداوم مبارزه، با اعتراضات توده ای موضعی، به ویژه زنان با مقاومت شجاعانه خود در برابر تهاجم رژیم جهت تحمیل حجاب اسلامی، اختلافات جناح های درونی حاکمیت را دامن زده و انسجام نیروهای سرکوب را متزلزل کرده اند. نشست سری فرماندهان سپاه پاسداران و بسیج با خامنه ای و اعترافات آنان

به ریزش و نافرمانی نیروهای تحت فرمان گویای همین حقیقت ساده است. این نشست‌ها و تدابیر اتخاذ شده نشان می‌دهد که سران حکومت اسلامی هم از این خیزش انقلابی درس گرفته‌اند، دیدند که نمی‌توانند همزمان در چند جبهه بجنگند. فشار این جنبش با پتانسیل انقلابی و با گستردگی و پیچیدگی هایش چنان سرنوشت نظام اسلامی را با مخاطره روبرو کرده است که کادر رهبری سپاه و خامنه‌ای برای نجات این نظام تمام نیروی خود را در جبهه جنگ با معترضان متمرکز کرده‌اند. سیاست تنش زدایی و سازش‌های مصلحت‌گرایانه با قدرت‌های رقیب منطقه‌ای در خاورمیانه که تا قبل از این خیزش توده‌ای در تمام کانون‌های بحران منطقه با آنها درگیر جنگ بودند، بند و بست‌های آشکار و پنهان با آمریکا و دیگر قدرتهای غربی برای مبادله زندانیان و آزاد کردن پول‌های بلوکه شده، تلاش برای پیوستن به پیمان شانگهای و گروه بریکس همه اینها در راستای تقویت موقعیت رژیم در نبرد با جنبش انقلابی جاری قابل توضیح است. رژیم جمهوری اسلامی به عنوان ضدانقلابی که از دل به خون کشیدن یک انقلاب توده‌ای به قدرت رسیده است سرسازش با کارگران و زحمتکشان و فرودستان این جامعه را ندارد. همانطور که امروز سازش با قدرتهای منطقه‌ای و جهانی را با تشدید سرکوب در داخل توأم کرده است، فردا هم هر گونه گشایشی ولو جزئی در زندگی اقتصادی مردم، حتی کاهش چند درصد نرخ تورم را با تشدید سرکوب توأم خواهد کرد. البته این اتکای مستأصلانه رژیم به حربه سرکوب به طور قطع موقعیت آن را شکننده تر کرده است. حفظ پتانسیل و ظرفیت اعتلایی این جنبش نیز ناشی از همین واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی فقط با تکیه بر گسترش دامنه سرکوب توانسته تا حدی از دامنه اعتراضات خیابانی بکاهد و به بقای خود ادامه دهد. این اوضاع در حالی که ترس توده‌ها فرو ریخته و دستگاه ایدئولوژیک رژیم هم توان مشروعیت بخشیدن به این اوضاع را از دست داده، امکان فوران آتش خشم و اعتراض مردم را زنده نگاه داشته است.

چه باید کرد؟

تضمین پیشروی و پیروزی این جنبش در گرو گستراندن استراتژی و چشم انداز سیاسی روشن و انقلابی، سازمانیابی و شکل دادن به عنصر رهبری سراسری است. بنابراین نباید وعده پیروزی سهل و آسان را به توده‌ها داد، بلکه باید عملاً در راه پاسخ دادن به نیازهای

واقعی این جنبش و تأمین ملزومات سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی گام برداشت و توده‌ها را به دشواری‌های این راه پر سنگلاخ آگاه ساخت. این جنبش فقط یک جنبش سلبی برای سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. توده‌های به‌پاخاسته علیه فقر و فلاکت اقتصادی، علیه نابرابری‌ها، محرومیت‌ها و تبعیض‌هایی پا به میدان اعتراض و مبارزه گذاشته‌اند که ریشه در مناسبات سرمایه‌داری ایران دارند. به این اعتبار این جنبش نه فقط هدف سرنگونی جمهوری اسلامی را در پیش روی خود قرار داده، بلکه ماهیتاً جنبشی ضد سرمایه‌داری است. مردم به حق به امکانات نهفته در ایران برای برپایی جامعه‌ای آزاد، برابر و مرفه چشم دوخته‌اند. بنابراین باید افق سوسیالیستی، افق حکومت شورایی کارگران و فرودستان را در برابر این جنبش قرار داد. باید سعی کرد شعارهایی از نوع "نان، کار، آزادی، اداره شورایی"، "آزادی، برابری، اداره شورایی" که از جانب معترضان در این جنبش انقلابی طرح شده‌اند را با کمپین‌های سیاسی - تبلیغی هر چه توده‌ای تر کرد. باید تبیین خودمان را از این شعارها به میان توده‌ها ببریم. باید پیگیرانه و به‌طور تعطیل‌ناپذیر مواضع و استراتژی سیاسی بخش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران برای به شکست کشاندن این جنبش را برای مردم روشن کرد. باید تناقض برنامه‌های اقتصادی آنان که همان سرمایه‌داری مبتنی بر الگوی بازار آزاد و نئولیبرالیسم با مدیریت غیر اسلامی است را با پلاتفرم‌های مطالباتی آنها و وعده‌هایی که به مردم می‌دهند را آشکارا نشان داد. آنها که بدیل شان سرمایه‌داری با مدیریت غیر اسلامی است نمی‌توانند وعده رفاه به مردم بدهند. سرمایه‌داری با مدیریت غیر اسلامی هم یک حکومت استبدادی است.

به میدان آمدن طبقه کارگر با اعتصابات یکپارچه و سراسری عنصر کلیدی در پیشروی و پیروزی این جنبش انقلابی است. طبقه کارگر به رغم موانع عدیده‌ای که سر راه دارد، اما می‌تواند با تکیه بر دستاوردهای مبارزات تاکتونی، با تکیه بر وجود رهبران کاردانی که دارد، با تکیه بر تجربه شکل دادن به کمیته‌های اعتصاب و کمیته‌های کارخانه که جوانه‌ها و نطفه‌های شوراهای کارگری هستند بر این موانع غلبه کند. با غلبه بر این موانع و تحزب‌یابی کمونیستی است که می‌توان به تأمین هژمونی طبقه کارگر بر جنبش انقلابی جاری کمک کرد. یکی از درس‌های مهم این خیزش انقلابی برای طبقه کارگر این بوده است که ابتدا کافی نیست که قدرت رژیم جمهوری

اسلامی تضعیف و محدود بشود، این قدرت باید نابود گردد و برای نابود کردن دولت بورژوازی پیشروان و رهبران جنبش کارگری باید در حزب کمونیستی خود متشکل شوند. طبقه کارگر بدون حزب سیاسی کمونیستی نمی‌تواند از منافع خاص طبقاتی خودش در عرصه‌های مختلف مبارزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دفاع کند و در میدان جدال‌ها و کشمکش‌های طبقاتی جنبش‌های پیشرو اجتماعی به ویژه جنبش زنان را با خود همراه و برای سازماندهی انقلاب کارگری و تصرف قدرت سیاسی خیز بردارد.

حضور گسترده و پیشتازی زنان یکی از ویژگیهای برجسته جنبش انقلابی جاری در یک سال اخیر بوده و یک بار دیگر تأثیر گذاری و نقش زنان در هرگونه تحول و دگرگونی سیاسی و اجتماعی را بیش از پیش نمایان ساخت. جنبش زنان با پیشینه و موقعیتی که در آن قرار گرفته است تنها با در پیش گرفتن استراتژی سیاسی سوسیالیستی می‌تواند هر درجه از عقب راندن رژیم اسلامی و ایجاد گشایش در فضای سیاسی جامعه را در خدمت پیشروی خود برای تحقق خواسته‌های پایه‌اش قرار دهد. یکی از پایه‌های استراتژی سوسیالیستی در جنبش زنان که در واقع پیش شرط پیشروی این جنبش نیز می‌باشد، توده‌ای شدن هر چه بیشتر و اجتماعی شدن جنبش زنان است. برای تبدیل شدن جنبش زنان به یک جنبش توده‌ای و اجتماعی باید توده زنان کارگر و زحمتکش را در ابعاد میلیونی به میدان مبارزه آورد. فعالین سوسیالیست جنبش زنان باید کار و فعالیت در میان این توده میلیونی زنان کارکن و زحمتکش، به ویژه در محلات حاشیه شهرها را محور فعالیت خود قرار دهند. باید در محیط‌های کار در محل زندگی با این خیل عظیم زنان در آمیخت و از نزدیک به آنها نشان داد که بدون در افتادن با نظام طبقاتی سرمایه‌داری و بدون در افق قرار دادن سوسیالیسم نمی‌توان مبارزه مؤثری علیه فرهنگ مردسالارانه و قوانین زن‌ستیز جمهوری اسلامی را به پیش برد.

یکی دیگر از ملزومات سرنگونی جمهوری اسلامی توده‌ای کردن این جنبش انقلابی است. باید موانع ذهنی سر راه پیوستن توده‌ها به جنبش انقلابی جاری را برطرف کرد. در این تردیدی نیست که این جنبش انقلابی از حمایت میلیونی مردم ایران برخوردار است. ایستادگی زنان و مردان آزاده در برابر نیروهای سرکوبگر، شجاعت زنان

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هیت تحریریه

سردبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با
کمیته تشکیلات داخلی کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات
داخلی گروه (تکشن)

takesh.komalah@gmail.com

جنبش عمدتاً خصلت محلی دارد و پاسخگویی نیاز یک جنبش سراسری نیست. با اینحال به هم مرتبط شدن و به هم پیوستن این رهبران محلی می‌تواند گامی در راستای شکل‌گیری رهبری سراسری باشد. حزب کمونیست ایران باید به این روندها کمک کند. در مسیر تلاش برای پاسخگویی به نیازهای این جنبش انقلابی می‌توان به این رهبران تلافی پیدا کرد. احزاب و سازمانهای موجود در جنبش کمونیستی ایران ضروری است با این شبکه رهبران محلی به هم برسند. شکل‌گیری آلترناتیو رادیکال و سوسیالیستی متکی بر یک پایه اجتماعی نیرومند از این مسیر می‌گذرد.

در خارج کشور برپایی و شرکت فعال در آکسیون‌ها در حمایت از خیزش انقلابی جاری و حضور در رسانه‌ها برای معرفی اهداف آن همچنان از اولویت کار و فعالیت تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران در این دوره است. بسیاری از پناهندگان و مهاجرینی که خود در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی به خارج کشور پناه برده اند امروز در صف اعتراض عمومی علیه رژیم و به نشانه همبستگی با جنبش انقلابی در ایران به خیابان می‌آیند. ما در همکاری با دیگر نیروهای چپ و کمونیست باید وسیعاً تلاش کنیم که همه انسانهای آزادیخواه و مترقی که در اعتراض علیه دیکتاتوری و اختناق در ایران و برای رهایی کارگران، زنان، جوانان، ملیتهای تحت ستم و همه مردم ستمدیده و جان به لب رسیده ایران به میدان می‌آیند را در صفهای قدرتمند علیه جمهوری اسلامی بسیج نماییم. برای جلب این نیروی وسیع بایستی سبک کاری جدید و فراسازمانی که مناسب این شرایط جدید برای جلب همبستگی عمومی باشد در پیش گرفت. در این راستا می‌توان به تقویت و گسترش شوراهای همبستگی با جنبش انقلابی ایران و یا هر نهاد مبارزاتی دیگری که بتواند کل این پتانسیل اعتراضی علیه جمهوری اسلامی را فعال کند تأکید کرد.

گرامی باد یاد جانباختگان جنبش انقلابی ژینا
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زننده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

پلنوم پنجم

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

شهریور ۱۴۰۲

سپتامبر ۲۰۲۳

بی‌حجاب در برابر تهاجم گسترده رژیم، شور و شوق و مبارزه جویی زندانیان سیاسی در شکنجه‌گاهها به لحاظ روانشناسی اجتماعی بیانگر آن است که این مقاومت و شور مبارزاتی از حمایت میلیونی و مقبولیت اجتماعی برخوردار است. بنابراین باید راه مشارکت فعال توده‌های میلیونی در اعتراضات خیابانی را هموار کرد. اگر سرکوب مدام و خونین آنها را از حضور فعال در صحنه سیاسی محتاط کرده است، باید نشان داد که تنها با به میدان آمدن توده‌ها در ابعاد میلیونی می‌توان ماشین سرکوب رژیم را زمینگیر و انسجام آن را در هم کوبید. چنانچه توده‌های مردم از جنگ داخلی و سوریه‌ای شدن ایران نگران هستند باید به آنها یادآور شد که در سوریه و لیبی تنها زمانی که در نتیجه یک مبارزه مسلحانه زودرس طبق نقشه بالایی‌ها، توده‌ها به حاشیه مبارزه رانده شدند این کشورها به دام جنگ داخلی و نیابتی افتادند. بنابراین تنها حضور مردم در صحنه سیاسی است که می‌تواند تضمین‌کننده جنبش انقلابی جاری به سرنوشت خیزش‌های توده‌ای در سوریه و لیبی دچار نمی‌گردد.

از دیگر ملزومات پیشروی این جنبش انقلابی سازمانیابی است. تردیدی نیست که در این جنبش عنصر سازمانیابی وجود دارد. همین شبکه جوانان انقلابی در محلات شهرهای مختلف، نهادها و تشکل‌های متعدد دانشجویی و دانش‌آموزی که در این دوره گسترش یافته اند، سازمان‌های سراسری معلمان و بازنشستگان که با تکیه به آن در این دوره چندین اعتصاب و اعتراض سراسری را سازمان دادند، شبکه‌های رهبران و محافل کارگری و کمیته‌های اعتصاب در جنبش کارگری که بدون آنها سازماندهی اعتصابات و اعتراضات کارگران قابل تصور نیست، تشکل‌های مادران جانباختگان، تشکل‌های زنان و نویسندگان همه از وجود درجه‌ای از سازماندهی و کار متشکل خبر می‌دهند. روشن است که این سطح از تشکل و سازمانیابی موجود با نیازهای این جنبش عظیم خوانایی ندارد. باید تلاش کرد در دل این جنبش عنصر سازمانیابی را تقویت کرد.

یکی دیگر از پیش‌شرط‌های پیشروی جنبش انقلابی جاری شکل دادن به رهبری سراسری است. پدیده رهبری از عنصر سازمانیابی جدا نیست. این جنبش به میزان پیشرفت در امر سازمانیابی از رهبری هم برخوردار بوده است. خیزش‌ها و اعتراضات توده‌ای و اعتصابات کارگری در سالهای اخیر رهبران خود را هم پرورده کرده‌اند. روشن است که رهبری فعلی



پلنوم پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران برگزار شد!

و شبکه های اجتماعی حزب، نشریه جهان امروز، کمیته روابط بین المللی، کمیسیون مالی، کمیسیون آموزش، کمیته رهبری کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) و کمیته اجرائی حزب را استماع و مورد نقد و بررسی قرار داد. پلنوم کمیته مرکزی در ادامه ارگانهای مختلف فعالیت حزب را تقویت و تجدید سازمان کرد. پلنوم همچنین تاریخ برگزاری کنگره چهاردهم حزب در سال ۱۴۰۳ را تعیین کرد.

پلنوم پنجم کمیته مرکزی منتخب کنگره سیزدهم حزب کمونیست ایران در بخش پایانی کار خود، به منظور هدایت فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی حزب در فاصله دو پلنوم، از میان اعضای کمیته مرکزی حزب که در لیست کاندیداها قرار گرفته بودند، یازده نفر از رفقا: هلمت احمدیان، رؤف پرستار، نصرت تیمورزاده، شمس خرمی، ناصر زمانی، حسن شمسی، رحیم عزیزپور، آرام فرج الهی، صلاح مازوجی، جلال محمد نژاد و صدیقه محمدی را به عنوان اعضای کمیته اجرائی حزب انتخاب کرد.

کمیته اجرائی حزب کمونیست ایران

۱۴ شهریور ۱۴۰۲

۵ سپتامبر ۲۰۲۳

پلنوم پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران منتخب کنگره سیزدهم در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۱ و ۱۲ شهریور ۱۴۰۲ برابر با ۲ و ۳ ماه سپتامبر ۲۰۲۳ برگزار شد. نشست وسیع اعضای کمیته مرکزی که در چهلمین سالروز تأسیس حزب کمونیست ایران و در آستانه اولین سالروز جنبش انقلابی ژینا برگزار شد، با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد جانباختگان صفوف حزب کمونیست ایران و کومه له و کلیه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و جنبش انقلابی ژینا کار خود را آغاز کرد. این نشست بعد از دو روز جلسات فشرده به کار خود پایان داد. در این پلنوم اعضای کمیته مرکزی کومه له و کمیته تشکیلات خارج از کشور حزب نیز به عنوان ناظر شرکت داشتند. در این پلنوم پیش نویس بیانیه سیاسی به مناسبت سالروز جنبش انقلابی ژینا که طی آن به ارزیابی از این جنبش انقلابی و چه باید کردهای حزب کمونیست ایران پرداخته شده است با دقت مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به تصویب رسید. این بیانیه بزودی منتشر می گردد.

نشست کمیته مرکزی حزب بعد از تصویب بیانیه سیاسی پلنوم به مناسبت سالروز جنبش انقلابی ژینا گزارش عملکرد ارگانهای مختلف حزب، کمیته تشکیلات شهرها، کمیته تشکیلات خارج از کشور، شورای تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له، کمیته اداره سایتها



بیانیه شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست

به مناسبت سالگرد خیزش انقلابی اخیر

روز ۲۵ شهریور خبر تکان دهنده ای مردم ایران را در بهت فرو برد. ژینا (مهسا) امینی پس از اینکه به دلیل "بدحجابی" توسط گشت گشتاپویی ارشاد دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود، در بیمارستان کسرای تهران بر اثر شدت جراحت جان باخت. به دنبال قتل عمد حکومتی، موجی از خشم و اعتراض جامعه را فرا گرفت. شامگاه این جنایت فاشیستی، مردم تهران بپا خاستند و در اطراف بیمارستان، دست به تظاهرات زدند. فردای آنروز در گورستان آچی سقر، هنگام خاکسپاری ژینا، خانواده اش بر مزارش نوشتند: نامت رمز خواهد شد و زنان و مردان آزادیخواه فریاد "ژن، ژیان، نژادی" را سر دادند که به سرعت به شعار اصلی جنبش انقلابی سراسر ایران تبدیل شد.

این خیزش انقلابی عظیم، رعدی در آسمان بی ابر نبود. قتل حکومتی ژینا امینی تنها انگیزه ای بود برای اینکه اکثریت مردمان، کارگر و زحمتکش، ستمدیده و جویای آزادی و برابری، یکبار دیگر + این بار وسیعتر از هر زمان + اعلام کنند که حل بحرانهای عظیم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران، بدون سرنگونی انقلابی رژیم استبدادی، مذهبی و سرمایه داری جمهوری اسلامی امکان پذیر نیست.

خیزش انقلابی اخیر، انکشاف و تداوم دوره انقلابی و فاز سیاسی نوینی است که از خیزش دیماه ۹۶ در ایران شروع شده بود. دوره جدیدی

که با طرح شعار "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا" اراده اکثریت مردم را برای پایان دادن به چهار دهه استبداد سیاسی مذهبی، فقر و نابرابری طبقاتی، آپارتاید جنسی - جنسیتی، تبعیضات شوونیستی، نابودی سیستماتیک محیط زیست و ... اعلام میکرد. خیزش انقلابی مرداد ۹۷ و بویژه آبان ۹۸ به دنبال سه برابر شدن بهای بنزین و نیز دیماه ۹۸ به دنبال ساقط کردن عمدی هواپیمای مسافربری اوکراینی توسط سپاه را نیز باید در همین راستا ارزیابی کرد.

اما آنچه این خیزش انقلابی را از همه جنبشها، حرکات اعتراضی و خیزشهای انقلابی پیش از شهریور ۱۴۰۱ منفک میکند، وسعت بی نظیر و تداوم خیره کننده آن بود. این خیزش، بهراستی عظیمترین



جنبش و عصیان ضدحکومتی در تاریخ حیات ۴۵ ساله جمهوری اسلامی بود.

تقریباً هیچ نقطه ای از ایران نبود که در این جنبش انقلابی سراسری، مشارکت نداشته باشد. برخی از مهمترین شاخصه های این خیزش تاریخی، عبارت هستند از:

۱- نقش پررنگ زنان و پیشقراولی آنها در همه جای ایران. این روند مثبت اگر چه از همان روزهای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی آغاز شده، اما در جریان خیزش انقلابی ژینا، بیش از هر زمان جلوه گر شد. زنان با سوزاندن حجاب اسلامی و پایان دادن به آپارتاید جنسی چنان به مظهر و بخشی از هویت رژیم جمهوری اسلامی ضربه زدند که تا کنون نتوانسته کمر راست کند. دفاع مردان از حرکت های بغایت سکولار زنان، انعکاس و پشتیبانی جهانیان از اعتراضات زنان موقعیت و نقش زنان را در اعتراضات عمومی بسیار ارتقا داد.

۲- نیروی کار و زحمت و فرزندان آنها بی شک اکثریت معترضین انقلابی کف خیابان را تشکیل میدادند و اکثریت کشته شدگان، دستگیرشدگان و اعدام شدگان و زخمیها نیز متعلق به همین طبقه و خانواده های کارگری بودند. اما کارگران هم به دلیل شدت سرکوب سیاسی و نیز فلاکت هولناک اقتصادی، و هم به دلیل ضعف تشکل یابی و سازماندهی محلی و سراسری، نتوانستند با برپایی اعتصاب عمومی سیاسی به یاری این خیزش انقلابی بشتابند. البته کارگران پالایشگاه آبادان و نیز چندین شرکت در بخش کارگران پیمانی نفت، گاز و پتروشیمی در عسلویه، کارگران ذوب آهن اصفهان و پاره های دیگر از کارخانجات با برپایی اعتصابات و اعتراضات موردی، و نیز معلمان با فراخوان دو حرکت سراسری در هفته های نخست این خیزش، کارکنان بخش بهداشت و درمان و رانندگان کامیون با برپایی چند اعتصاب و حرکت سراسری، سعی کردند علیرغم همه موانع، وزن طبقه کارگر و زحمتکشان را در جنبش انقلابی افزایش دهند، اما این تلاشها همچون انقلاب ۵۷ به اعتصاب عمومی سیاسی کمرشکن منجر نشد.

۳- شکل گیری کمیته ها و شوراهای محله محور از پائین (مخفی، نیمه علنی و علنی) توسط جوانان انقلابی در بسیاری از شهرها و نقش اساسی این تشکلهای مردمی در تداوم جنبش و جنگ و گریزهای خیابانی. و هماهنگی و همکاری شماری از این کمیته ها با هم، و نیز پلاتفرم های رسانه ای چپ یکی از

نقاط درخشان این جنبش بود. همین جوانان انقلابی، بیشترین هزینه را در مصاف با نیروهای سرکوب رژیم، متحمل شدند.

۴- حضور بی سابقه جنبش دانشجویی در همبستگی با خیزش انقلابی که به اعتراف خود رژیم، حداقل در بیش از صدوهشتاد دانشگاه و دانشکده، و در برخی مراکز، چندین حرکت در روزها و هفته های مختلف حرکت اعتراضی برگزار کردند. نکته جالب در این مبارزات، خلق تاکتیک ها و روش های جدید اعتراضی بود که بسیار مورد توجه قرار گرفت.

۵- عروج مجدد جنبش دانش آموزی یکی دیگر از ویژه گیهای درخشان این خیزش تاریخی بود. اینبار شاهد شکل گیری حرکات اعتراضی در صدها مدرسه بویژه در دبیرستانهای دخترانه بودیم که در همبستگی با جنبش معلمان، امر مبارزه را در محیط مدرسه به پیش میبردند. حملات شیمیایی مزدوران رژیم اسلامی به صدها مدرسه - عمدتاً دخترانه - بیانگر خشم رژیم از عروج مجدد جنبش دانش آموزان بود.

۶- یکی دیگر از نکات مهم، حضور پررنگ جنبش های ضد شوونیستی و ضد تبعیضات ملی، نژادی و مذهبی در این خیزش بویژه در کردستان و بلوچستان بود. که ضمن تاکید بر همبستگی سراسری و برابرقوی همه مردمان ایران، بار دیگر چهره کثیف تبعیض، ستم مضاعف و نابرابری نهادینه شده در دو رژیم شاه و جمهوری اسلامی را رسوا کردند.

۷- همچنین بخش های وسیعی از کسبه و مغازه داران چند اعتصاب سراسری موفق بویژه در کردستان و شهرهای بزرگ ایران برگزار کردند.

۸- غیبت کامل شعارهای مذهبی در این جنبش، به روشنی نشانه شکست اسلام سیاسی، رشد خداناباوری در جامعه، و نیز ماهیت عمیقاً لائیک و سکولار خیزش انقلابی را به نمایش گذاشت. در عین حال، نوع واکنش و فرهنگی که انبوه خانواده های داغ دیده به نمایش گذاشتند، به راستی کم نظیر بود. آنها در بسیاری موارد با صدای رسا اعلام داشتند که عزاداری نمی کنند، بلکه به راه سترگ فرزندان و عزیزان خود ادامه خواهند داد. آنان به جای عزاداری و نوحه خوانی، سرود پخش میکردند و شعارهای انقلابی را پژواک میدادند، زنان، حجاب از سر بر میداشتند و گیسوان خود را به نشانه همبستگی قیچی میکردند و با کف زدن و لهله، داغ غمگساری و عزاداری را بر دل رژیم

گذاشتند. سنت مبارزاتی مدرنی که کماکان بر سر مزار صدها جانباخته، ادامه دارد.

۹- هنر اعتراضی و انقلابی نیز در تمام دوران تداوم خیزش انقلابی اخیر، در اشکال مختلف ترانه سرود، نه تنها صدای توده انقلابی را بازتاب می داد، بلکه سهم به سزایی در افزایش روحیه انقلابی مبارزین کف خیابان داشت. در تاریخ مبارزات سیاسی مردمان ایران، ما در هیچ دوره انقلابی، به اندازه این دوره خیزش، شاهد این حجم از تولید آثار هنری ماندگار نبودیم. بعلاوه ابعاد عظیم خیزش چنان بود که حتی محافظه کارترین هنرمندان و نیز ورزشکاران که بسیاری از آنها در دوره های گذشته، معمولاً ساکت بودند، ترغیب شدند که به همبستگی با جنبش و همدردی با خانواده های جانباختگان بپردازند.

۱۰- طرح شعارهای اثباتی در کنار شعارهای سرنگون طلبانه، یکی دیگر از ویژه گی های مثبت این خیزش انقلابی بود. مردم در سراسر ایران ضمن سر دادن شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی، سعی کردند در کنار شعارهای کلیدی "زن زندگی آزادی" و "فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی"، با طرح پاره ای شعارها و مرزبندی ها، تلاش اپوزیسیون راست و ابر رسانه های وابسته به آنها را برای استحاله این خیزش به یک حرکت "رژیم چنجی" صرف، و یا تلاش آنها برای جانداختن آترناتیو سلطنت طلبان به رهبری رضا پهلوی را خنثی کنند. به همین خاطر شاهد شنیده شدن شعارهایی همچون: مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر، "نه سلطنت، نه رهبری، دمکراسی، برابری"، "نه کولبری، نه سوختبری، آزادی، برابری"، "نان، کار، آزادی"، "از کردستان تا جلفا، قدرت به دست شورا"، "فرزند کارگرانیم کنارشان می مانیم"، "کارگر، معلم، دانشجو اتحاد اتحاد"، "کرد، بلوچ، آذری، آزادی، برابری" و ... بودیم. این شعارهای اثباتی و رادیکال در داخل کشور، نقش مهمی در فروپاشی کارناوال های پوپولیستی "همه با هم" و ائتلاف دست راستی به رهبری رضا پهلوی ایفاء نمود.

خیزش انقلابی اگر چه در بعد خیابانی، شورشی و تعرضی، دچار افت شده است، اما دوره انقلابی و حرکات اعتراضی بخش های مختلف مردم: کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان، خانواده های جانباختگان و زندانیان سیاسی و حرکات اعتراضی ادواری مردم در بلوچستان و کردستان با فراز

و فرودهایی، همچنان تداوم دارند. در واقع ما شاهد یک دوره انقلابی مداوم هستیم که گاهی فراز و گاهی فرود دارد، اما اراده اکثریت مردم پابرجاست و آن تلاش برای پیدا کردن راهی جهت پایان دادن به رژیم استبدادی، فاسد، غارتگر، فاشیستی و سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است.

این رژیم تنها در شش ماهه اول خیزش با دستگیری بیش از شصت هزار نفر (طبق آخرین اعتراف مقامات قضایی)، کشتن حدود ششصد معترض در خیابانها، قتل بیش از بیست زندانی در زیر شکنجه، اعدام رسمی حدود ده معترض زندانی و مجروح و معلول و نابینا کردن هزاران تن از مبارزین انقلابی و در یک کلام با کم نظیرترین سرکوب و و توحش فاشیستی توانست خود را فعلا سرپا نگه دارد. اما هم این رژیم و هم اکثریت مردمان جویای رهایی میدانند که انفجارهای سیاسی بزرگ در راهدن و باید با درس‌گیری از کاستی‌های این خیزش و خیزش‌های قبلی، خود را برای پیکارهای سرنوشت ساز نوین آماده کنیم.

بی تردید قطب متنوع چپ انقلابی در جنبش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی داخل کشور و فعالین سوسیالیست خارج کشور و شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست - به مثابه مهمترین بخش متشکل بدیل سوسیالیستی -، باید خود را برای این نبردها و روزهای سرنوشت ساز پیش رو آماده کنند.

ما بارها اعلام کرده ایم که علیرغم اهمیت و ضرورت کلیدی همه جنبشهای اجتماعی انقلابی و مترقی، انقلاب مردم ایران موقعی میتواند به یک انقلاب اجتماعی پیروزمند تبدیل شود که طبقه کارگر به مثابه یک طبقه

متشکل، سازمانیافته و انقلابی، مهر خود را بر جنبش بکوبد. این حضور قدرتمند و رهبری کننده، نه تنها تضمینی برای به موفقیت رساندن خیزشهای انقلابی است، بلکه تضمینی است برای اینکه امر سرنگونی رژیم اسلامی در حد یک رژیم چنج و یا انقلاب سیاسی باقی نماند، بلکه علاوه بر به‌زیر کشیدن استبداد سیاسی مذهبی حاکم، موجبات عبور از نظام استعمارگر و مبتنی بر نابرابریهای طبقاتی یعنی نظام سرمایه داری را فراهم کند و زمینه را برای گذار به سوسیالیسم و استقرار بدیل کارگری و شورایی فراهم نماید.

از این رو ما از تکرار این نکته خسته نمی شویم که: چاره رنجبران، وحدت و تشکیلات است! نه تنها در درون جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی، بلکه در درون خود احزاب و سازمانهای کمونیستی وفادار به انقلاب اجتماعی و بدیل سوسیالیستی. در این راستا، فائق آمدن بر همه روشهای فرقه گرایانه، سکتاریستی، خرده کاری و پراکنده کاری و بنابراین دیدن افق‌های بزرگ طبقاتی و انقلابی، اهمیت ویژه ای پیدا میکند.

انبوه زندانیان سیاسی بویژه فعالین پیشرو کارگری، معلمان، زنان، دانشجویان و جوانان از درون زندان و انبوه خانواده‌های جانباختگان راه آزادی و برابری در بیرون از زندان، بارها شجاعانه و ثابت قدم، اعلام کرده اند که روز رهایی فرا خواهد رسید و این رژیم بحران زده، از ترس است که میترسند و رجز میخوانند.

انبوه زندانیان سیاسی بویژه فعالین پیشرو کارگری، معلمان، زنان، دانشجویان و جوانان از درون زندان و انبوه خانواده‌های جانباختگان راه آزادی و برابری در بیرون از زندان، بارها شجاعانه و ثابت قدم، اعلام کرده اند که روز رهایی فرا خواهد رسید و این رژیم بحران زده، از ترس است که میترسند و رجز میخوانند.

کافیست به نافرمانی میلیونی جاری زنان قهرمان ایران در برابر تحمیل حجاب اسلامی نگاه کنیم تا تداوم مبارزه و مقاومت را در اشکال متنوع به عینه شاهد باشیم.



تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه‌له برنامه‌های خود را به همراه تلویزیون‌های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره‌ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.

ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه‌له به وقت تهران:

- آغاز برنامه‌ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازده و نیم قبل از ظهر



"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"

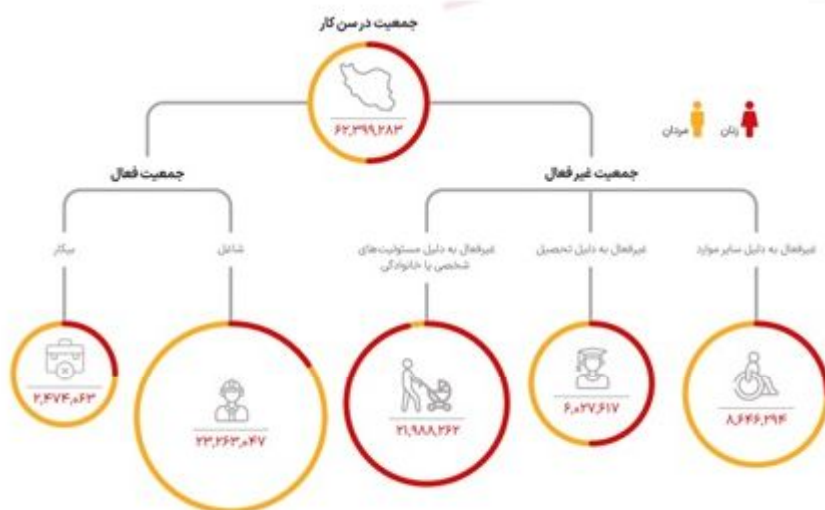
نیز روی همین کانال برنامه‌های مشترک خود را تحت عنوان تلویزیون "آلترناتیو شورایی" در روزهای سه شنبه و یکشنبه هر هفته برنامه‌های خود را پخش می کند-

عباس منصوران

جنبش جاری، انقلابی و برخاسته از تضادهای طبقاتی است!

اسلامی، جمعیت غیر فعال را کسانی معرفی کرده‌اند که توانایی و تمایل به کارکردن ندارند و جمعت شاغل را کسانی که در هفته تنها یکساعت کرده باشند، شاغل به شمار می‌آورند. بنا به همین آمار نسبی، جمعیت در سن کار نزدیک به ۶۳ میلیون و شاغلین را نزدیک به ۲۳ میلیون گزارش شده. در این آمار شعبده بازان بازار فساد و چپاول، بیکاران را نزدیک به ۲/۵ (دومیلیون و نیم) گزارش شده که تنها کافی است به لشکر بیکاران در سراسر ایران و به ویژه در استانهای محروم از زندگی رانده شده بنگریم!

آمار دولتی، بیش از ۴۰ میلیون تن از جمعیت سن کار را غیرفعال گزارش داده که در این میان افزون بر ۶ میلیون به دلیل تحصیل و ۲۲ میلیون به دلیل مسئولیت‌های شخصی و خانوادگی و نزدیک به ۹ میلیون به دلیل سایر موارد گزارش داده‌اند. با این همه، آنچه از این آمار حوزوی و سرشار از تناقض و دروغ، می‌توان دریافت، به صورت زیر و تصویر صفحه بعد آمده است (۱):



حکومت اسلامی با فروپاشی شدید و مهار ناپذیر بنیادهای اقتصادی و مالی، ساختاری واداری و تمامی دستگاههای بوروکراتیک و نظامی، امنیتی، دینی و... غرق در تمامی فسادهای مافیایی و دیگر بنیادهای فساد سیستماتیک خویش روبرو است.

در چنین شرایطی با هزینه‌های سنگین پرداخت شرایط جنگی و سرکوب به نیروهای سرکوبگ و مزدور، پرداخت هزینه‌های جنگی و

کوبندگی، ژرفا و تنگناهای مرگ آور تحمیلی از سوی حکومت انگل سالاران را به نمایش می‌گذارد. به آمار حکومتی، سال ۱۳۹۹، نرخ بیکاری افزون بر ۵۰ درصدی زنان، و نیز بیکاری زنانی که پیش از بیکاری بین ۲۵ تا ۳۰ سال سابقه کاری داشته‌اند، نسبت به سال ۱۳۹۸ با بیش از ۱۴۱ درصد افزایش نشان می‌دهد. آمار دولتی، میانگین نرخ بیکاری زنان را ۷۰ درصد بیشتر از نرخ بیکاری مردان نشان می‌دهد. بنا به این آمار که تنها باید به صورت نسبی به آن نگریم، از جمعیت نزدیک به ۸۳ میلیونی کل ساکنین ایران در سال ۱۳۹۹، نزدیک به ۶۳ میلیون تن، در سن کار (از ۱۵ سال به بالا) قرار داشته‌اند. از جمعیت بیش از ۳۱ میلیونی زنان در سن کار، در سال ۱۳۹۹ بیش از ۸۱ درصد نیروی غیرفعال گزارش داده شده که پس از دو سال بحران و رکود تورمی نقطه‌ای، به کاهش ارزش پول ایران، بیش از ۱۰۰ درصدی و ورشکستگی و تعطیلی مراکز کار و تولید، بسیار فراتر رفته و به نقطه‌ای انفجار رسیده است. بر مبنای همین آمارهای ناقص دولتی، دو سال پیش، از هر سه شاغلی که به لشکر بیکاران رانده شدند، دو تن

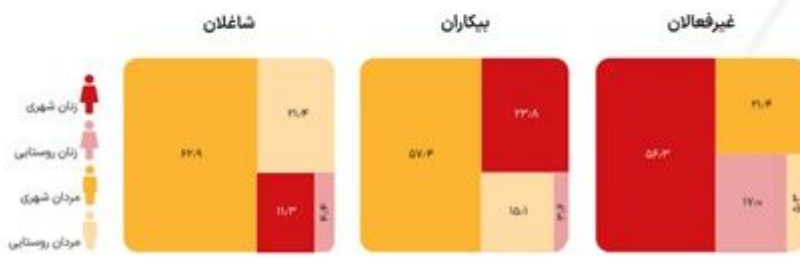
جنبش انقلابی برای سرنگونی تبه‌کارترین حکومت طبقاتی در ایران، همانند رودخانه‌ای جاری در فلات زندگی با قهرمانی و شجاعت و مقاومتی تاریخی، شبانه روز با شکوه و امید، جاری و از مبارزه باز نایستاده است. این جنبش در برآمد ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، نام ژینا (مهسا) را به سان رمز خود برگزید تا نماد بیکار و بیستازی زنان برای از هم گسستن زنجیر بردگی‌اشان باشد. اینک، چشمان جهانیان، به سوی جنبش جاری در ایران در انتظار ساعت انقلاب خیره مانده است. سرچشمه‌ی این رود خروش، از فرات و دجله که زندگی بخش حیات انسان در «میان رودان» بوده و هستند و از نیل و آمزون و گنگ، پرخروش تر و فراگیرتر است. جنبش انقلابی نه تنها فلات ایران، بلکه پیوند و پویایی فرامنطقه‌ای به خود گرفته است.

رویکرد اعتراض‌های اجتماعی، از دی ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸، تابستان ۱۴۰۰ و از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ تا کنون که در همین روزها، سالروز خود را در مبارزه‌ای تاریخی به پیش می‌برد، تداوم یک جنبش اجتماعی و مبارزه‌ای بوده است. کارگران و تهی‌دستان شهر و روستا و لایه‌های میانه و پایینی خرده بورژوازی رانده شده به حاشیه و به گرداب نداری، بیکاری و بی‌خانمانی فرودستان نیروهای اصلی برآمدهای فراگیر از ۹۶ تا کنون بوده‌اند. جنبش جاری اما، با ژرفا، بافت و رادیکالیسم، چهره‌ی یک جنبش انقلابی و طبقاتی را به نمایش می‌گذارد. فقر مطلق یعنی، نگرانی برای نان شب و زنده ماندن تا فردا، شورش گرسنگان را از همان سال ۹۶ در زاهدان داشت. سیستان و بلوچستان با حضور زنان، جوانان و شعارهای رادیکال و همبستگی با سراسر ایران، به راستی که خطاب به کارگران و فرودستان و نیروهای انقلابی در کردستان و سراسر ایران، چشم و چراغ ایران شده‌اند.

تورم لگام گسیخته و دستمزد ۷ میلیون تومانی اگر انگل‌خور نشود که نزدیک به ۵ برابر زیر خط فقر را برای کارگران شاغل رقم می‌زند، نیروی مادی جنبشی را پرتوان ساخته است که جز به سرنگونی و خودرهایی به گزینه‌ی دیگری نمی‌اندیشد.

شرایط زندگی، زیست و استثمار طبقه کارگر افزون بر ۶۰ میلیونی با خانواده و فرودستان و زحمتکشان، نیروی جنبشی و پویانده‌گی،

جمعیت شاغل، بیکار و غیرفعال به تفکیک جنسیت و محل سکونت



۶۳ درصد از شاغلان و ۵۷ درصد از بیکاران را مردان شهری تشکیل داده‌اند.

بیش از نیمی از افراد غیرفعال، زنان شهری بوده‌اند.

دخالگتری در دیگر کشورها، پرداخت به تبه‌کاران «واگتری» در سوریه و عراق و ایران بنگریم. این پروژه‌ی تبه‌کارانه، به مشاورت راسپوتین کرملین (آلسکندر دوگین-طراح اوراآسیا، آخرزمانی، طراح راهپیمایی اربعین به سوی عراق، با کارگزاری نیروی قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی در سوریه و عراق و لبنان و یمن و... متشکل از اسلامی و مزدور پاکستانی، عراقی، افغانستانی، حزب‌الله، بسیج و... جنگ‌های نیابتی و فروافتادن به مرداب خونین جنگ ناتو-بلوک روسیه در اکراین رهبری می‌شود.

حکومت اسلامی، در چنین شرایط با نیروی افزون بر ۷۵ میلیونی جنبش انقلابی روبروست. این خیزش با تمامی نشانه‌های خود، یک خیزش طبقاتی است. نگاه‌ها به سوی ایران است، رسانه‌های امپریالیستی نگران، همانند حکومت‌هایشان سراسیمه شده‌اند. اسلام سیاسی برای سرمایه جهانی، سرشار از سود مافوق بوده است که دیگر امیدی برای ماندن نیست. برپایی جنگ و بحران و ایجاد زمینه‌ها برای حضور نظامی به ویژه در خاورمیانه و جنگ بلوک‌های غرب به رهبری آمریکا و ناتو و شرق به رهبری روسیه پوتین و چین و... با حاکمیت بحران و اسلامی سیاسی به رهبری حکومت اسلامی در ایران و پی آمده‌های طالبانی و داعشی آن، یک برنامه‌ریزی سرمایه‌ی جهانی نتولیرال بود. حکومت باندهای حاکم با چنین شرایط روبرو است:

با شورش گرسنه‌گان، برای نان و آب و سرپناه و زندگی، شورش بیکاران در میان موج مبارزات مردم، در همایش و درگیری.

زمینه‌ها و راستای جنبش

- جنبش جاری، طبقاتی / اجتماعی و انقلابی است.

- ریشه در جنبش‌های اجتماعی و انقلابی در سال‌های گذشته، بهمن ۵۷ و تمامی این ۴۴ سال دانست.

ماهیت طبقاتی

نیمه دوم سال ۱۳۸۰ سازمانیابی ارگانهای توده‌ای کارگری و سندیکایی، و فرازویی شورآفرینی و مجامع عمومی و... در هفت تپه و فولاد اهواز، جنبش کارگری شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی! را به بیانیه‌ی انقلابی و

اعتلاء انقلابی رویکرد دارد،
- باید هشیارانه تا شرایط انقلابی از هراقدام شتابزده و نا به هنگام خود داری شود.
- پیروزی جنبش، در گرو تداوم، و حضور در خیابانها، و حفظ سنگرها میباشد و رهبری انقلابی سراسری طبقه کارگری می‌باشد.

جنبه‌ی اجتماعی

جنبه‌های اجتماعی - طبقاتی که در بیان‌نامه‌ی زن، زندگی، آزادی در جهان طنین افکند، نه یک شعار، بلکه یک منشور انقلابی است. محور مبارزه‌ی جوانان و کل جامعه با حکومت شوندگان، کار و آزادی و زندگی است.

دستاوردها

- جنبش ۲۵ شهریور، اعلام یک روند انقلابی است،
- این جنبش با این استخوانبندی، خواهان دگرگونی است، بنابراین ماهیتی طبقاتی، انقلابی و دگرگون خواه است،
- از همان آغاز از رفرم‌خواهی و اصلاح طلبان و هر رنگ و ریب مذهبی، عبور کرد. با مذهب درافتاد،
- با تقدس دینی و دین خویی و توهم‌های دینی و تابوهای اسلام درافتاد و همه را بر خاک افکند،
- شادمانی و رقص و رزم را در هم آمیخت،
- به سوی زندگی جهت گرفت،
- پیدایش اعتماد به نفس و خودیابی،
- اراده و تجربه‌ی رزم و تسخیرخیابان‌ها و سنگر بندی،
- به عقب راندن حکومت و بی بازگشت ساختن رژیم به دوران اعمال

تبلیغات جنبش آراست و در سال ۹۶ با رویکرد شورآفرینی بخود گرفت. این یک نقطه چرخش در جنبش کارگری بود. کارگران فولاد اهواز، بیشتر با چنین رویکردی به اعتصاب پرداخته بودند.

- جنبش جاری، از بستر شکاف طبقاتی و مبارزه طبقاتی ریشه گرفته است.

- زمینه ساز جنبش، تضاد طبقاتی است:

- نیروهای متضاد، از یک سو، حکومت کنندگان، درسوی دیگر، حکومت شوندگان با وزن کارگری، فرودستی و گرسنگان و محرومان و دادخواهان قرار گرفته‌اند.

- حکومت شوندگان، بیش از ۴۰ میلیون کارگر با خانواده، ده میلیون کارگر صنعتی با ۲۴ میلیون حاشیه نشین،

- بیش از ۵۰ میلیون جوان زیر ۳۰ سال و بیشتر بیکار.

- نیمی از افراد جامعه که زنان در تاریخ نزدیک به ۲۵ هزار سال پیش، بی هویت و به بردگی کشانده شدند و بیش از همه سرکوب و محروم.

- میلیونها دستفروش و کودکان کار.

- بازنشسته‌گان، مال باختگان و میلیونها تهیدستان شهر و روستا.

- بنابراین این جنبش در مناسبات طبقاتی و سیاسی آن ریشه دارد.

- جنبش، تمامی سیستم حاکم را نشانه گرفت و مرگ بر کلیت نظام را در سراسر ایران بر پرچم خود نوشته است.

- تاریخ، جنبشی این چنین فراگیر که در سراسر ایران و شهرها و روستاها را در این یکسال به جنبش و امید، فرا خواند، به باد ندارد،

- ترس و هراس توده‌ها شکسته شده و قدرتمند نمایی حکومت در برابر اراده‌ی تودها فروشکسته است.

- این جنبش کمبودهایی دارد که در روند تجربی خود هر لحظه به روند اعتلایی خود، به

⇒ قدرت و سلطه‌ی پیش از جنبش زن زندگی، آزادی!

- گیسوبری، سوگ حماسی و اعتراض و سوزاندن روسری و پرتاب عمامه به خاک را با تمامی خشم، به جنبش انقلابی پیوند داد، - و اعلام کرد که **گشت ارشاد بهانه است، کل نظام نشانه است.**

- اتحاد سراسری بین اتنیستیه‌های ساکن ایران، در برابر نفرت افکنی تاریخی حکومت‌ها ایستاد - جلب پشتیبانی‌های بین‌المللی، به ویژه زنان جهان، برانگیختن شور و امید در میان خلق‌های منطقه، زنان و فرودستان را آفرید، - مهر تاریخی پیشتازی و حضور انقلابی زنان را بر منشور جنبش انقلابی کوبید. - سازمانیابی مبتکرانه شوراگرایی در میان بخش‌هایی از کارگران، کمیته‌های مبارزاتی در محلات، زنان، جوانان، دانشجویان، دانش‌آموزان را برپا کرد،

- نازی‌آبادها به روند انقلابی پیوستند و پدیده اکباتان‌ها و وو در تهران و صدراها و مالی آبادها را در شیراز و ایزد و اصفهان و زاهدان و ایران‌شهر و مازندران و گیلان و آذربایجان و ایلام و کرمانشاهان و بوشهر و افزون بر ۱۶۰ شهر و صدها روستا و دانشگاه و مدارس سراسر ایران آفریدند

- نیروهای راست و سلطنت طلب و مجاهدین درماندگی و ماهیت ضد مردمی خود را نشان دادند و این یک دستاورد ضروری بوده است. - حمله‌ی شیمیایی به مدارس دختران و در برخی موارد پسران، خوابگاه‌های دانشجویان دختر

- بیوتروریسم با باکتری شیگلا و غیره در سراسر ایران، از ۹ آذرماه ۱۳۴۰ تا اردیبهشت ۱۴۰۱ نه تنها برای حکومت اسلامی آخرین تلاش مذبوحانه بود، بلکه درماندگی حکومت اسلامی را برملا کرد.

ضعف‌ها و کمبودها

کمبود رهبری انقلابی و طبقاتی سازمانیافته سراسری کارگری کمبود رهبری سازمانیافته سراسری زنان، علاوه بر فاکتورهای تاریخی، سرکوب و کشتار و ممنوعیت‌های از سال ۵۷ اسیرکشان، کشتن کمونیست‌ها، آزادیخواهان و پیشتازان جنبش کارگری، سکتاریسم مزم و زخمهای کهنه‌ی درون نیروهای چپ و به ویژه منفردین در اصرار به سازمان‌گریزی، اتحاد، وحدت، همبستگی، همراهی، کم توجهی به تلاش‌های بورژوازی اپوزیسیون که پیروزی خود را در براندازی و نه سرنگونی و در



پارلمان‌های کشورهای امپریالیستی، اتحادیه اروپا و ... می‌بینند و به مداخله کشورهای سرمایه‌داری امید بسته اند و مشروطه را مثال می‌آورند. در این مورد امید مردم را می‌ربایند و منحرف می‌کنند که به سوی مداخله و پشتیبانی غرب دل ببندند. این میدان را نباید به دشمنان انقلاب کارگری واگذار کرد. نقش رفرمیسم تریدیونیونستی که پدیده‌ای جهانی است و در خارج از ایران به درون تزریق می‌شوند، در برابر شوراگرایی، مجمع نمایندگان و مجامع عمومی، یکی از مهمترین تهدیدات سرنوشت ساز جنبش کارگری و سوسیالیستی است.

سازمانیابی سراسری و منطقه‌ای

- نمونه کردستان با ویژگی حزب‌گرایی و تجربه‌ها و آزمون‌های سازمانیابی. - سازمانیابی همکاری نیروهای چپ و کمونیست در یک بلوک انقلابی - کارگری که چند سال پیش سازمان یافته و به پیش می‌رود.

- تلاش برای تنش‌زدایی بین احزاب مختلف و همکاری‌های موردی و اصولی، امنیتی و مانند اینها در منطقه کردستان.

- تلاش برای ایجاد همبستگی و پیوند مبارزاتی با نیروهای چپ و رادیکال و کارگری و پیشرو دیگر مناطق از جمله سیستان و بلوچستان، آذربایجان، عرب و ترکمن.

- تلاش برای پیوندهای انترناسیونالیستی کارگری،

- حضور گرایش‌های سوسیالیستی در پراتیک مبارزاتی کارگران تولیدی و خدماتی، نمونه فرهنگیان و کارگران و کارکنان درمان و بهداشت و ... دادخواهان، مطالبات‌بازنشسته‌گان و کول‌بران و ... و جنبش خیابان و دانشگاه و مدارس ... که در سطح کلان و سراسری، از توان و عهده‌ی یک حزب و سازمان سیاسی خارج است، یک بلوک چپ و کمونیست با اشتراکات اصولی و تدوین شده و مشخص، در پراتیک و عمل و تئوری.

چشم انداز و وظایف

وظایف نیروهای انقلابی، همان است که همیشه

بوده است:

آگاهی بخشی، همراه با تبلیغ و ترویج و شرکت بی‌دریغ در سازمانیابی جنبش‌های کارگری و اجتماعی و فعال در سوخت و ساز مبارزاتی، جنبش جاری، با ابتکارهای نو و پیشرو، زنده و پویا، به پیش می‌رود و واپس نمی‌نشیند. درماندگی و بحران‌ها و بن بست رژیم شدت یافته و عمق می‌یابند،

خواست سرنگونی انقلابی و طبقاتی باید به هدف جنبش تبدیل شود، تبلیغ اداره شواری با رهبری کارگران پیشتاز برای تبدیل آن به ذهنیت و فرهنگ جنبش سراسری، با ایجاد کانون‌های همبستگی، سازمانیابی کمیته‌های همیاری، صندوق اعتصابات، کمکهای پزشکی، درمانی و انتقال مجروحین به درمانگاه‌های امن، کمیته‌های محلات و پیوندها و رسانه‌ای کردن فوری و کارآی رخدادهای و اخبار جنبش و غیره، چنین تجربه‌هایی در جامعه وجود دارند و باید به تقویت آنان پرداخت حضور مادی و زنده در جنبش، دوشادوش خیزشگران، کارگران و زنان و تمامی به پاخاستگان و معترضین جامعه، اعتماد و اعتبار هر مبارزی را در پی خواهد داشت. اداره‌ی شواری با گزینش مورد اعتمادترین و رزمنده‌ترین و وفادارترین انسان‌های مبارز و مبتکر ساختار می‌یابد.

آخر مرداد ۱۴۰۱

منبع:

- گزارش جامع بازار کار ایران در سال ۱۳۹۹ به گزارش سایت دیوار
<https://divar.ir/daal/wp-content/Labor-Market-Report-103/2022/uploads/Divar.pdf>



حزب در شبکه‌های اجتماعی

 Peshraw Cpiran

 Peshraw Cpiran

 Peshraw Cpiran

 Peshraw Cpiran

به مناسبت ۱۱ شهریور چهلمین سالروز تاسیس حزب کمونیست ایران

یازدهم شهریور سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران است. ۴۰ سال پیش در چنین روزی حزب کمونیست ایران، در یک کنگره موسس بنیانگذاری شد و رسماً موجودیت خود را اعلام نمود. در سالروز تاسیس حزب کمونیست ایران یاد و خاطره فداکاری های رفقا و هم‌زمانی را که در صفوف حزب کمونیست ایران و کومه له، چه در زندان و زیر وحشیانه ترین شکنجه ها یا بر چوبه دار و در برابر جوخه آتش دژخیمان جمهوری اسلامی و چه در سنگرهای رزم و مقاومت انقلابی در کردستان و مبارزه مسلحانه در صفوف نیروی پیشمرگ کومه له در نبرد و پیکار رو در رو با دشمن، جان و زندگی و هستی شان را در راه رهایی انسان استثمار شده و ستمدیده فدا نمودند گرامی می داریم. به خانواده های استوار و ثابت قدم و سرافراز این عزیزان درود میفرستیم.

تشکیل حزب کمونیست ایران در روز یازدهم شهریور سال ۱۳۶۲ اگرچه به عنوان یک اقدام عاجل در پاسخ به شرایط سیاسی آن دوره از جانب کمونیست ها در دستور قرار گرفت، اما به هیچ وجه اقدامی خلق الساعه نبود و در اتاق های دربسته و دور از چشم جامعه و جنبش، زمینه سازی و تدارک دیده نشده بود. حزب کمونیست ایران در ادامه مبارزات مارکسیسم انقلابی بر علیه افکار خرده بورژوازی که جنبش چپ ایران را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود، تشکیل شد. مارکسیسم انقلابی در ظرف چند سال سوسیالیسم خرده بورژوازی، پوپولیسم مدعی مارکسیسم را در بنیادهای متدولوژیک، اقتصادی، سیاسی و تشکیلاتی آن نقد کرد و بار دیگر پرچم مستقل کمونیسم را برافراشت. شکل گیری و رشد سریع مارکسیسم انقلابی در ایران انعکاس سیاسی و تشکیلاتی حضور عینی طبقه کارگر ایران در صحنه انقلاب بود. طبقه ای که برای پیشروی و رهایی خود به تئوری انقلابی و سازمان سیاسی پیشتاز نیاز داشت. طبقه ای که در عین حال با حضور فعال خود در عرصه مبارزه انقلابی زمینه مادی و شرایط مساعد برای تبدیل این تئوری انقلابی به یک نیروی مادی اجتماعی و تقویت سیاسی و تشکیلاتی نیروها و سازمان های پیشتاز خود را فراهم کرده بود. در واقع حزب کمونیست ایران حاصل حضور و نقش طبقه کارگر در تحولات سیاسی و انقلابی سال ۱۳۵۷ و تلاش انقلابیون کمونیستی بود که نه تنها در

صفوف کومه له و اتحاد مبارزان کمونیست که پرچم مارکسیسم انقلابی را برافراشته و مبانی فکری آن را در مواضع رسمی خویش نمایندگی می کردند، بلکه در درون سازمان های پیکار، رزمندگان، وحدت انقلابی، رزم انقلابی و چریکهای فدایی خلق برای بیرون کشیدن مارکسیسم از زیر بار تحریفات بورژوازی و خرده بورژوازی پیگیرانه مبارزه کردند.

این حزب در شرایطی تشکیل شد که انقلاب ایران در زیر ضربات حکومت ضد انقلاب اسلامی آخرین نفس های خود را می کشید. سرکوب های خونین، دستگیری های گسترده و اعدام های وسیع، بخشی از سازمان های چپ را عملاً منحل کرده بود. در چنین شرایطی تشکیل حزب کمونیست ایران به وسیله بخشی از نیروهای چپ ایران پاسخی انقلابی و موثر و در حد توان به این وضعیت نابسامان بود. در حالی که حکومت اسلامی همه جا انحلال سازمان های سیاسی را تبلیغ می کرد، یک حزب سیاسی جدید و پرشور، با روحیه و امیدوار در حال تشکیل شدن بود. حزب کمونیست ایران در بدو تشکیل، در تهران و شهرهای بزرگ ایران و در محیط های کارگری تشکیلات و فعالین سیاسی کارگری را با خود داشت و شمار نسبتاً زیادی از فعالین سیاسی و کمونیست ایران را در بر می گرفت، در کردستان نیز به یک جنبش توده ای گسترده متکی بود و دیدگاههای سیاسی و برنامه روشنی داشت. وجود حزب کمونیست افق های جدیدی بر روی کومه له هم گشود. رزمندگی و شور و شوق انقلابی را در صفوف این تشکیلات بالاتر برد و اجازه نداد عقب نشینی های نظامی جنبش کردستان افق سیاسی مبارزین آن را تیره و تار کند و به کومه له در از سر گذراندن یک دوره سخت و خطیری یاری رساند.

اما طی چهار دهه گذشته شرایطی که در آن حزب کمونیست ایران ایجاد شد بسیار عوض شده است. چه در سطح جهان و چه در سطح ایران تغییر و تحولات زیادی بوقوع پیوسته اند. فروپاشی اردوگاه شوروی و آن مدل سرمایه داری دولتی که به نام سوسیالیسم معرفی می شد و پایان جنگ سرد، عروج و افول نئولیبرالیسم، افول قدرت اقتصادی و قدرقدرتی نظامی آمریکا و عروج چین و به میدان آمدن بلوک های اقتصادی جدید، جنگ امپریالیستی در اوکراین و تثبیت جهان چند قطبی، و غیره از جمله این تحولات هستند. از سوی دیگر

اولویت نظام کاپیتالیستی برای حداکثر سازی سود در کوتاهترین مدت سیاره زمین را به طرف نابودی سوق می دهد و جامعه بشری را با خطر یک فاجعه زیست محیطی روبرو کرده است. در حالی که پیشرفت سریع تکنولوژی، روبات ها و هوش مصنوعی بیش از هر زمانی دیگری امکان کاهش ساعات کار و افزایش فراغت و رشد و شکوفایی استعداد های بشری را فراهم آورده است، اما این پیشرفت های خارق العاده در انحصار کمپانی ها و قدرت های سرمایه داری به ابزاری برای هراس افکنی در میان کارگران تبدیل شده اند.

در سطح ایران نیز شرایط کار ما بسیار دگرگون شده و تغییرات بزرگی به وقوع پیوسته است. ظرف این ۴۰ سال جمعیت ایران بیش از دو برابر شده، جمعیت کارگران صنعتی چند برابر شده و بازتاب این تحولات خود را در مطالبات و گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری نشان داده است، در سه، چهار سال اخیر طبقه کارگر ایران سالانه بطور میانگین دو تا سه هزار اعتراض و اعتصاب را تجربه کرده است. نسلی از فعالین و رهبران کارگری در جریان این مبارزات کارگری پرورده شده و به جلو صحنه آمده اند که توانایی و ظرفیت های خود را در سازماندهی و رهبری ده ها اعتراض و اعتصاب کارگری نشان داده اند. زنان با برپائی یک جنبش مقاومت عظیم علیه قوانین زن ستیز اسلامی و با حضور چشمگیر در جنبش های اعتراضی نشان داده اند که یک پای اصلی هر تحولی در آینده هستند. خیزش توده ای و سراسری تهیدستان شهری در دی ماه سال ۱۳۹۶ و آبان ۹۸، و خیزش انقلابی جاری که با نام رمز زن، زندگی آزادی آغاز شد تحول بزرگی در آگاهی و ذهنیت توده ها ایجاد کرده است. بحران های زیست محیطی و پیامدهای آن مبارزه علیه تخریب محیط زیست را به امری عاجل برای کمونیست ها تبدیل کرده است. مسائل اجتماعی ایران امروز نسبت به سه، چهار دهه پیش کاملاً تازه هستند. امواج مهاجرت روستائیان به شهرها و گسترش شهرنشینی و همزمان رشد حاشیه نشینی، این مجموعه تحولات، ما و شرایط کار و فعالیت امروز ما را در وضعیت کاملاً متفاوتی نسبت به سالهای اول فعالیت حزب کمونیست قرار داده است. آنان که این واقعیت های عینی را نمی بینند و برای انحلال حزب کمونیست ایران نقشه کشیده بودند، نه





م. مهرزاد

حزب کمونیست ایران پس از چهل سال!

دمکراتیک گرفتار بود و این بزرگترین مولفه ی سیاسی دست و پاگیر این حزب در آن دوره بود که مانع تعمیم نظریات سوسیالیستی آن میشد. اما به هر شکل حزب کمونیست ایران پتانسیل رادیکال قابل توجهی را به خود جذب کرد و به یکی از قوی ترین جریانات چپ رادیکال ایران تبدیل شد. از آن دوره تا کنون تغییر و تحولات درونی حزب کمونیست به بخش قابل توجهی از تاریخ تحولات احزاب و جریانات چپ رادیکال ایران تبدیل شد. از سر برآوردن جریان مهدی در جریان جنگ اول خلیج که تبلور سیاست هایی ناسیونالیستی بود تا جدایی بسیاری از اعضا و کادرها موسوم به گرایش کمونیسم کارگری و در نهایت سربرآوردن گرایش راست و سانتر که در تلاش برای شکل دادن به قطب احزاب کورد به جای قطب سوسیالیستی بود، تا کنون رقم خورده است. چند جریان به نام کومله و جناح راست به نام حزب کمونیست فعالیت دارند. بررسی هر یک از این جدایی ها و بحران های درونی البته با اهمیت هستند و خود تاریخی را رقم میزنند که درس هایی برای جنبش کمونیستی ایران دارند. گسست از جریان مهدی اجتناب ناپذیر بود اما اینکه گرایش کمونیسم کارگری حق داشت که بلافاصله صفوف این حزب را ترک کند یا حزب کمونیست پروسه بهتری برای ترد مهدی به کار بست هنوز مورد بحث است. آیا سر بر آوردن جریان راست به رهبری ابراهیم علیزاده اجتناب ناپذیر بود یا ناشی از سیاست های مماشانات طلبانه با آنها بود همچنان می تواند مورد بحث باشد و ... اما آنچه مهمتر و تعیین کننده است و در اینجا موضوع بحث است موقعیت حزب پس از تمام این تغییر و تحولات و فراز و نشیب ها است.

انشعابات و گسست ها صفوف

تنها نقشه هایشان با شکست روبرو شد، بلکه در حقیقت با اعلام عجز و ناتوانی خود از درک اوضاع کنونی و وظایف عظیم این دوره، عملا کارگران و زحمتکشان و تهیدستان جامعه را در میدان مبارزه سیاسی به قربانگاه بند وبست با احزاب بورژوایی می برند.

همه این تحولات در شرایطی است که طبقه کارگر بویژه در دو دهه اخیر تغییرات ساختاری عظیمی را از سر گذرانده است. به رغم تبلیغاتی که در مورد کاهش نقش طبقه کارگر و پررنگ شدن نقش طبقه متوسط انجام می گیرد، طبقه کارگر هیچگاه از اینچنین قدرت اقتصادی و از چنین جایگاهی در تولید اجتماعی برخوردار نبوده است. مبارزه این طبقه در عصر سرمایه داری همچنان موتور تحول انقلابی در تاریخ و جامعه است و این اصل که در کانون توجه مارکس قرار داشته با قدرت اعتبار تاریخی و عینی خود را حفظ کرده است. حزب کمونیست ایران در این دوره باید این تغییرات ساختاری و موضوع اصلی فعالیت خود را بخوبی بشناسد. این حزب تنها با عجز شدن با جنبش اقتصادی طبقه کارگر و با تکیه بر نقش رهبران و پیشروان و بخش خودآگاه طبقه کارگر می تواند نقش خود را در مسیر سازمانیابی انقلاب کارگری ایفا نماید.

در کردستان نیز اگر از زاویه منافع مبارزه کارگران و زحمتکشان و فرودستان به مسائل این جامعه نگاه کنیم، ارتقاء فعالیت های حزب کمونیست ایران و کومه له سازمان کردستان این حزب ضروری و حیاتی است. در عصری که ناسیونالیسم به کمک همه ذخایر فرهنگی و سیاسی و برنامه ای خود به تفرقه در میان صفوف کارگران متعلق به ملیتهای مختلف دامن می زند و ما هر روزه شاهد فجایعی هستیم که تحت برنامه ها و خط مشی های سیاسی ناسیونالیستی در نقاط مختلف دنیا روی می دهد در کردستان نیز اتکا به یک حزب و سازمان سراسری و کمونیستی به طور موثرتری به تقویت همبستگی طبقاتی کارگران کردستان با کارگران دیگر بخش های ایران کمک می کند. در حالی که احزاب ناسیونالیست در کردستان تلاش می کنند که جنبش حق طلبانه مردم کردستان را به هم پیمان و نیروی ذخیره اپوزیسیون بورژوایی در سطح سراسری تبدیل کنند، کومه له به عنوان سازمان کردستان حزب کمونیست ایران تلاش می کند که پیوند و همبستگی جنبش انقلابی کردستان با جنبش کارگری، جنبش زنان و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی در سطح سراسری را تقویت نماید. کومه له از این مسیر مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و فعالیت های سراسری برای شکل دادن به بدیل سوسیالیستی راه، نیرو و توان بخشیده و افق پیروزی و حاکمیت شورایی را در پیش روی مردم کردستان قرار می دهد. در سالروز تأسیس حزب کمونیست ایران بار دیگر همه کمونیست ها و کارگران آگاه ایران را به پیوستن به صفوف این حزب و مبارزه در راه انجام وظایف تاریخی و پرافتخار آن فرا می خوانیم.

مرغ های خود را در سبد آن نچیده است، بهتر از گذشته گرایش سوسیالیستی را می تواند تقویت کند.

سوم مبارزه نظری با جریانات انحرافی چه از نوع ناسیونالیست و چه دیگر دست راستی ها و یا در طیف چپ می تواند از طرف حزب پیش برده شود. و این مسئله به مثابه بخشی از میدان مبارزه طبقاتی و نقشی که حزب کمونیست می تواند در آن ایفا کند از اهمیت بسزایی برخوردار است. تا قبل از انشعاب گرایش راست با ابزارهای تشکیلاتی و سیاسی موانع بسیاری برای این کار ایجاد می کرد. گرایش راست و ساتر بیش از جدال نظری با جریانات راست مماشات و نادیده گرفتن سیاست های آنها را اعمال اجرا می کرد و دست و پای جناح چپ را نیز بسته بود. اما اکنون شرایط تغییر کرده است و نه فقط شرایط در حزب برای ابراز آزادانه نظر فراهم شده است بلکه انسجام سیاسی نسبتا بهتری بوجود آمده است که در تقابل با جریانات دست راستی و انحرافات درون جنبش می تواند پیش ببرد.

چهارم حزب کمونیست ایران پس از گسست از جریان راست اکنون تماما و به طور روشن مدافع آلترناتیو شورایی است. حزب برای کسب هژمونی طبقه مدافع سرسخت آلترناتیو شورایی است که تا قبل از گسست از گرایش راست، هر چند همواره از طرف گرایش چپ مطرح میشد اما در نهایت کم رنگ بود و گرایش راست تمایلی به اینکه به معنای واقعی کلمه آلترناتیو شورایی مطرح بشود را نداشت. گرایش راست ترجیح میداد آلترناتیو احزاب کورد مطرح شود و شورا صرفا به مثابه یک تابلو برای حزب وجود داشته باشد. اما اکنون حزب کمونیست ایران قادر است به سهم خود این آلترناتیو را هر چه بیشتر تبلیغ و ترویج نماید. در جدال آلترناتیوها، تقویت آلترناتیو شورایی تنها شانس موفقیت طبقه کارگر و مردم زحمتکش در این دوره از مبارزه طبقاتی در ایران است. اینکه کدام یک از آلترناتیوها بتوانند دست بال پیدا کنند و در پیکارهای پیش رو حمایت مردم را به خود جلب کنند سرنوشت ساز است. حزب کمونیست ایران نیز به سهم خود و در کنار دیگر جریانات سوسیالیست نه برای کسب قدرت صرفا یک حزب و جریان بلکه برای کسب قدرت

سیاسی توسط طبقه کارگرا آلترناتیو شورایی مبارزه می کند.

کمونیست ایران شرایط و وضعیت به مراتب بهتری را پس از انشعاب گرایش راست کسب کرده را نمی توان نادیده گرفت. اگر بخواهیم دقیقتر به این موضوع پردازیم باید به این سوال پاسخ بگوییم که نمودهای این تغییرات کدام ها هستند؟ و در سیاست های حزب کمونیست ایران چگونه خود را نشان می دهند؟

اولین مورد مبارزه بر سر ایجاد یک آلترناتیو در کردستان که مدت ها در صفوف حزب کمونیست مورد اختلاف بود و ابراهیم عزیزاده و همفکران او تلاش داشتند تا با سازش طبقاتی بین کومله سوسیالیست و دیگر نیروهای دست راستی کورد به ایجاد یک آلترناتیو کوردی اقدام کنند این طرح در جریان بحران و در نهایت گسست از گرایش راست برای همیشه کنار زده شد و اقدام حزب کمونیست به ایجاد یک بلوک سوسیالیستی در کردستان به همراه حزب حکمتیست و تعداد قابل توجهی از سوسیالیست های مستقل انجام شد. اینکه این آلترناتیو چقدر بتواند دشتخوش تغییرات بشود و یا تا کجا بتواند به یک آلترناتیو قوی تبدیل گردد قابل پیشبینی نیست و روند مبارزه طبقاتی سرنوشت آن را رقم خواهد زد اما آنچه اهمیت دارد این مسئله است که در مقابل تمام آلترناتیو های دیگر راست و ناسیونالیست آلترناتیو سوسیالیستی و چپی وجود دارد که حزب کمونیست ایران ستون اصلی آن می باشد.

دوم اینکه بلوک همکاری احزاب و سازمان های سوسیالیست به نام : "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" هر چند سال ها قبل از انشعاب و تغییر تحولات حزب کمونیست ایران نیز وجود داشت و فعالیت می کرد اما هم در روند خود از یک رویکرد پوپولیستی و جمع اضداد فاصله گرفت و با خروج بسیاری از جریانات غیر کارگری، کیفیت ضروری را پیدا کرد و هم با تحولات حزب کمونیست ایران وزنه سوسیالیستی آن افزایش یافت. تغییر و تحولات جامعه ایران و جنبش عظیم انقلابی سال گذشته، نقش این بلوک سوسیالیستی را در میدان سیاست ایران افزایش داد. هر چند هنوز هم این اتحاد عمل از انسجام الزم در تندیچ های سیاسی برخوردار نیست و نمونه آن را در جریان حمایت از منشور بیست تشکل داخل کشوری شاهد بودیم اما با تاثیرپذیری جریانات شورا از تحولات داخل ایران گرایش رادیکال سوسیالیستی در آن تقویت شده است. حزب کمونیست ایران با نگاهی واقع بینانه تر نسبت به این اتحاد عمل که از یکسو همکاری با آن را با اهمیت می داند و از سوی دیگر تمام تخم

این حزب را تضعیف کرد و بخصوص در جریان جدال نظری و تشکیلاتی با جریان راست که چند سال به طول انجامید حزب یکی از بزرگترین انشعابات خود را پشت سر گذاشت که نیروی زیادی از حزب کمونیست گرفت. اما از پس همه این تحولات اکنون حزب کمونیست ایران کجا ایستاده است؟ چه شرایط و ظرفیت هایی دارد؟ چه انتظاراتی از این حزب وجود دارد؟ چه موقعیتی در بین گرایش چپ رادیکال دارد؟ چه موقعیتی در جنبش کارگری و توده ای می تواند داشته باشد؟ و بلاخره اکنون چقدر این حزب تغییر کرده است؟

واقعیت این است که برای بسیاری حتی در درون صفوف حزب کمونیست ایران می تواند اختلاف نظر در مورد رویکردهای درونی در مقاطع بحرانی و انشعابات وجود داشته باشد اما اینها تعیین کنند نیستند آنچه مهم است اینکه حزب کمونیست قادر شد از انواع گرایشات ناسیونالیستی، رفرمیستی و راست عبور کند و بخصوص در آخرین بحران جریان ساتر و راست که در تلاش بود تا بجای قطب سوسیالیستی یک بلوک از احزاب کورد را ایجاد کند نه تنها از این سیاست ها و رویکردها گسست شد بلکه به معنای واقعی کلمه تمامی بندها برای پیشروی و سوسیالیستی بودن گرایش چپ پاره شد و سیستم مهار و سرکوب و مهندسی شده از طرف گرایش راست کنار زده شد. با گذشتن از این مانع بزرگ و تاریخی حزب کمونیست ایران در موقعیت و فرصتی تعیین کننده قرار گرفته است. چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ تشکیلاتی حزب کمونیست ایران انرژی خود را آزاد کرده است تا به تمامی بتواند در میدان مبارزه طبقاتی نقش فعالتر و تاثیرگذارتری ایفا کند. این شرایط نه فقط به اعتبار گسست معمولی و تشکیلاتی بلکه در پروسه ای دراز مدت و چند ساله انجام شد که در تمام سطوح اعضا و فعالین آن را به مباحث وارد کرد و همه به نوعی از این پروسه تاثیر پذیرفتند. اجتناب ناپذیر بودن این بحران و انشعاب تحرکی شدید و فعالیتی مستمر در درون تشکیلات ایجاد کرد و در نهایت همانند یک زایمان دردناک گرایش چپ و حزب کمونیست ایران، یکبار دیگر متولد شد. واضح است که هرگز نمی توان مدعی شد که حزبی شکست ناپذیر و فارق از هرگونه بحران و اشتباه پا به میدان گذاشته است. مبارزه طبقاتی و فراز و فرودها ادامه دارد و طبیعتا حزب کمونیست ایران نیز از آنها تاثیر خواهد پذیرفت. اما این واقعیت بزرگ که حزب

پنجم حزب کمونیست ایران با موقعیت

برگزاری مراسم گرامیداشت چهلین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران در استکهلم



رو شنبه ۲۶ اوت ۲۰۲۳ برابر با ۴ شهریور ۱۴۰۲ مراسم باشکوهی با حضور جمع وسیعی از افراد و نیروهای چپ و کمونیست در شهر استکهلم سوید برگزار شد.

مراسم با قرائت متنی از سوی حمید فروتن مجری برنامه و پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه کف زدن به یاد جانباختگان آزادی و سوسیالیسم و جانباختگان خیزش «زن، زندگی، آزادی» آغاز و بدنبال شاعر انقلابی و کمونیست عباس سماکار اشعاری را دکلمه کرد.

مراسم با سخنرانی محمدنبوی ادامه یافت که او در بخشی از سخنانش از جمله بر این امر تاکید کرد که تاسیس حزب کمونیست ایران نه از نیازهای تاکتیکی و یا مقطعی مبارزه، بلکه از ضرورت انقلاب اجتماعی طبقه کارگر تاسیس گردید و در عین حال حزب کمونیست برای نیل به هدف نهایی باید فعالانه مراحل مختلف و تاکتیکی جنبش کارگری و انقلابی را هدایت کند.

بدنبال سخنان ایشان، ابراهیم حیدری شاعر مبارز و کمونیست اشعاری به زبان های فارسی و کردی دکلمه کرد.

مراسم بعد از آنراکتی کوتاه با سخنان م. مهرزاد و پیام نیروهای چپ و کمونیست از جمله حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، هسته اقلیت، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، سازمان راه کارگر، کانون زندانیان سیاسی (در تبعید) و مشارکت حزب کمونیست کارگری ایران و شورای استکهلم ادامه یافت.

در خاتمه مجری برنامه از مشارکت شرکت کنندگان قدردانی بعمل آورد.

تشکیلات استکهلم حزب کمونیست ایران!



لازم به توضیح است که امروز ۹ ماه سپتامبر ۲۰۲۴ مراسم گرامیداشت سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران در هلند نیز برگزار می شود که گزارش آن بعدا به اطلاع می رسد.

و شرایط جدید خود بیش از پیش می تواند در تحولات درونی جنبش کارگری و توده ای نقش ایفا کند. حزب به عنوان بخشی از طبقه کارگر ایران در هر قدم و تحرک آن مسئولیت دارد که در حد امکان نقش ایفا کند و در ارتباط با سازماندهی و در رودرویی با رژیم و انحرافات جنبش فعال باشد. جنبش کارگری با مکانیزم ها و ویژگی های خود هر سال چند هزار اعتصاب و تجمع را رقم میزند. اما در جنبش توده ای انقلابی سال گذشته نتوانست با اعتصابات سراسری با این جنبش همراه و متحد شود و این خود به پاشنه آشیل این جنبش انقلابی تبدیل شد. جنبش گسترده توده ای در کنار و متحد جنبش کارگری نیازمند سازماندهی و آگاهی بیشتری است تا احتمال موفقیت بیشتری پیدا کند و حزب کمونیست ایران نیز به سهم خود باید بتواند نقش یک جریان سازمانده و آگاه کننده را ایفا کند. حزب کمونیست ایران از پتانسیل ایفای نقش بیشتر و فعالتر در جنبش کارگری و توده ای برخوردار است و اکنون زمان آن است که از این پتانسیل استفاده کند و فعالین این جنبش ها را تحت تاثیر قرار بدهد.

ششم مسئله ایجاد حزب کارگری است. جنبش کارگری و مردمی ایران همانقدر که نیازمند آلترناتیو شورایی، سازماندهی توده ای، آگاهی سیاسی، فراگیرتر شدن مبارزه کارگران و ... است نیازمند یک حزب کارگری و قدرتمند نیز می باشد تا احتمال پیروزی در مقابل رژیم تا بدین حد سرکوبگر باشد. اگر تعداد انقلابات شکست خورده بیشتر از انقلاب های پیروز شده نباشد قطعاً کمتر از آن نیز نیست. و یکی از دلایل شکست هر انقلابی فقدان نیروی سیاسی منسجم و با سیاست ها و تاکتیک های انقلابی است. انقلابی در ایران حتی با آلترناتیو شورایی و گستردگی آن می تواند دچار شکست بشود اگر فاقد یک حزب قدرتمند سیاسی سوسیالیستی باشد. ویژگی رژیم جمهوری اسلامی داشتن دستگاه عریض و طویل و با تجربه برای سرکوب است. مزدورانی بسیار و دارای امکاناتی فراوان هستند. واضح است که در جریان یک انقلابی آنها نیز تضعیف می شوند و ضربه پذیر هستند اما این وضعیت پیروزی توده ها را تضمین نمی کند چرا که مبتنی بر جنبشی خودبخودی هستند که در روزهای سرنوشت ساز می تواند اشتباهات بسیاری را رقم بزند. چه زمانی باید تعرض بشود؟ کجا باید عقب نشینی کرد؟ چگونه سراسری عمل کنیم؟ چگونه مسلح شویم؟ زمان آن چه وقت است؟ و در نهایت چه زمانی در یک انقلاب قیام مسلحانه باید انجام شود؟ همه این مسائل را یک حزب بزرگ کارگری سوسیالیستی و منسجم می تواند تعیین کند و احتمال موفقیت را در مقابل رژیم مثل جمهوری اسلامی بالا ببرد. جنبش خودبخودی شانس موفقیت کمتری دارد و حتی تعدادی سازمان سیاسی چپ و غیر منسجم و یا تعدادی تشکل های توده ای قادر نیستند چنین درجه از سازماندهی حزبی و منسجم را در روزهای سرنوشت ساز انجام بدهند. در نتیجه اینکه ما نیاز به یک حزب قدرتمند کارگری داریم. واضح است که هیچ جریانی و از جمله حزب کمونیست ایران نمی تواند ادعا بکند که چنین حزبی است یا می تواند بالفعل آن را ایجاد کند. اما حزب کمونیست ایران به مثابه یکی از جریانات مارکسیستی قوی و با شرایط جدید بالقوه می تواند در ایجاد چنین حزبی نقش ایفا کند. زمان برای ما همیشه در شرایط اعتلا و بحران های انقلابی باقی نخواهد ماند و لذا دست به کار شدن و داشتن استراتژی برای ایجاد حزبی فراگیر باید در دستور کار باشد.

شهریور ۱۴۰۲





نامه‌های زندان، از زنان زندان!

شش روز مانده به سالروز شلیک جنبش انقلابی در ایران، دیوهای اوین شکافته می‌شوند تا پیام زنان در جهان پژواک یابد. سلول‌های شکنجه اینک سنگر شلیک به فرماندهی سپیده و زینب و گلرخ و نرگس و نیلوفرها، نماد سنگرهای خیابانی هستند. روزنامه لوموند نهم سپتامبر ۲۰۲۳ نامه‌های نرگس محمدی، سپیده قلیان، نیلوفر بیانی، زینب جلالیان و گلرخ ایرایی را منتشر کرد. پنج نامه با محوریت مقاومت و مبارزه سراسری مردمان کار و رنج و مقاومت و درد و شکنجه‌هایی که دژخمیان و رهبر خونخوارشان را به زانو درآورده و به زوزه و درماندگی‌اشان کشانیده‌اند. محور تمامی نامه‌های زندان، نویدبخش فروریختن بی‌تردید دیوارهای زندان‌ها و کاخ‌های باندهای فساد و تباهی و تبه کاران حاکم اسلام پناه می‌باشند.

سپیده قلیان

رزمنده از بتار کار، ۳۲ ساله، هنرمند ابتکارات و نوآوری‌های مبارزاتی علیه حکومت اسلامی، فعال و پیشتاز جنبش کارگری و زنان، رزمنده مقاومت مشترک پیشتاز، او که از سال ۹۶ تا کنون پیوسته بر سکوی هفت تپه جنبش کارگری می‌درخشد و فریاد اداره شورایی را با بخشی‌ها پژواک داده، در زندان کارون و سپیدار و اوین و زندان‌های سراسر ایران در زنجیر با زنان اسیری مانند زینب جلالیان، سپیده، گل سرخ انقلاب کارگری در نامه‌های زندان خویش، شلیک می‌شود و در این همصدایی می‌نویسد: «صدای من از پشت دیوارهایی می‌آید که در عمر پنجاه ساله‌اش شاهد شکنجه و خفقان بوده اما در عین حال به نمادی برای آزادی‌خواهی تبدیل شده است...» او اینک هم سلول سیسیل کوهلر، نماینده نهاد کارگری معلمان از فرانسه همراه با رفیق خویش ژاک پاریس در بند ۲۰۹ اوین نزدیک به دو سال اسارت در پی دیدار با فعالین جنبش کارگری در سال ۱۴۰۰. سپیده انقلابی می‌نویسد: جنبش «زن، زندگی، آزادی» تجربه بزرگی در بسیج مردم بود که بر پایه‌ی تجربه‌های مبارزات قبلی بنا شد.» سپیده به‌سان مبارزه و پیشتاز جنبش کارگری و زنان انقلابی به ضرورت رهبری جنبش کارگری، و سرنوشت سازی نقش طبقه کارگر در پیروزی می‌افزاید: «امید، عزیزترین دارایی من است.»

زینب جلالیان

زینب جلالیان، ۴۱ ساله، رزمنده‌ی سیاسی کورد و مدافع حقوق زنان و زن زندگی آزادی، تکیه بر زاگرس و سنگرهای مقاومت و مبارزه برای رهایی، از سال ۲۰۰۸ به اتهام اقدام مسلحانه اسیر می‌شود و محکوم به اعدام تا سالها و سپس حبس ابد تا پایان عمر و اینک ۱۶ سال است در اسارت که همه زندان‌های ایران را در نور دیده و هر سلول و بند را گاهی با سپیده و گاهی با دیگر زنان اسیر به سنگرهای مقاومت تبدیل کرده ست و اینک در بند ۲۰۹ در کنار سیسیل و سپیده و ... زندانی! شکنجه‌های فراوان زینب جلالیان را تا مرز نابینایی کشاننده و اعتراف اجباری به مبارزه مسلحانه و افتخار بر مقاومت. زینب در نامه‌ی زندان خویش، اعلام می‌کند که او یک زن است، مانند میلیون‌ها زن اسیر در سراسر ایران از کردستان، زنی رزمنده و پیشتاز که در ازای شانزده سال شکنجه و زندان: «شاهد جنایات بسیار در زندان‌های جمهوری اسلامی بوده است.»

نرگس محمدی

مادر و زنی مقاوم، نزدیک به هفتاد سال و سالها در زندان: «آیا صدای ترک خوردن دیوار ترس را در ایران می‌شنوید؟ بزودی صدای ریزش آن را به لطف اراده و قاطعیت ایرانیان خواهید شنید.» نرگس محمدی وضعیت زنان ساکن ایران را در حاکمیت دینی فساد سالاری شرح می‌دهد: «اما ما زنجیرها را یک به یک پاره کردیم تا اینکه جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" فرا رسید.» نرگس محمدی پس از شرح حال زندگی خویش که روزگاری در توهم اصلاحات حکومتی به سر برد تا سرانجام در زندان به واقعیت‌های امروزین پی برد و به ضرورت سرنگونی کل نظام رسید. او در پایان نامه، روی به سوی خوانندگان نامه می‌افزاید: «انتشار همین نامه نشان می‌دهد که صدای ما به اندازه کافی قوی بوده که به گوش شما برسد... ما با همدیگر پیروز خواهیم شد.»

نیلوفر بیانی

نیلوفر بیانی، ۳۷ ساله، پژوهشگر و فعال محیط زیست که در سال ۲۰۲۰ به اتهام جاسوسی به ده سال زندان محکوم شده است. او در نامه خود به یاد جانباختگان مقاومت و اعتراض علیه حکومت اسلامی به ویژه سرنوشت دکتر کاووس سیدامامی پرداخته که در زندان خودکشی شد نیلوفر از شکنجه زندانیان و اعمال فشار بر فعالان محیط زیست می‌نویسد و نام بسیاری از آنان را یادآوری می‌شود و در پایان به نابودی زیست بوم و نزدیکی و انسان زیر حاکمیت حکومت اسلامی اشاره می‌کند که راه دیگری جز رهایی از این حاکمیت تبه کار در میان نیست.

گلرخ ایرایی

گلرخ ایرایی، ۳۴ ساله که قبلاً شش سال زندان و شکنجه را با مقاومتی سرفرازانه گذرانیده بود، و بار دیگر با آغاز جنبش انقلابی سال گذشته به زندان افتاد: «تردید نباید کرد، خیابان‌ها تنها راه به سوی انقلاب و پایان دیکتاتوری است.»

گلرخ ایرایی به ضرورت سازمانیابی سراسری و سیاسی برای رهبری جنبش می‌پردازد و به مردودیت اپوزیسیون پوشالی که به دخالتگری قدرت‌های خارجی دل‌بسته‌اند و اینکه اینان نیز به خاطر منافع خود رابطه با جمهوری اسلامی را حفظ کرده‌اند، هشدار می‌دهد که: «جامعه جهانی به معترضان ایرانی این پیام را رسانده که "شما تنها هستید"». وی ناامیدی را واگویی نمی‌کند و اعلام می‌کند: که او ایمان دارد که تنها راه پیروزی، بسیج انبوه مردم در خیابان‌هاست. گلرخ در بند جانان تبهکار حاکم، به پیروزی امید دارد که: «راه هرچه باشد، مطمئن باشیم که قاطع‌تر از همیشه بساط اختناق را برخواهیم چید.»



بیانیه کمیته مرکزی کومه له به مناسبت ۲۸ مرداد سالروز تهاجم نظامی به کردستان

در آستانه سالروز جنبش انقلابی زینا

از درس ها و تجارب جنبش انقلابی توده ها بیاموزیم!

مردمی را که آگاهانه برای حقوق بر حق خود مبارزه می کنند، وادار به تسلیم کردن نمایند. پس از آنکه در نتیجه سه ماه مقاومت مسلحانه پر از فداکاری و حماسه سرانجام رژیم عقب نشست، مردم بویژه جوانان مبتکرانه ترین شیوه های سازماندهی اداره امور اجتماعی را بکار بستند و جامعه را به شیوه ای سالم و دموکراتیک اداره کردند. آنان امنیت محلات را به شکلی توده ای تامین کردند. توزیع مواد غذایی و دیگر مواد مورد نیاز را سازمان دادند. خدمات پزشکی و درمانی را سازمان دادند. مدارس و ادارات را باز نگه داشتند و به معضلات و مشکلات عمومی مردم رسیدگی کردند و اخلاق و رفتار انقلابی و پیشرو و انسانی را رواج دادند و حتی غافل از بازآموزی فریب خوردگان و تشویق آنان به پیوستن به صف مردم نبودند.

طی مدت کمتر از شش ماه که جمهوری اسلامی سرگرم آماده ساختن خود برای حمله مجددی بود، کومه له علیرغم کارشکنی های که در داخل کردستان صورت می گرفت، در تدارک آماده ساختن افکار عمومی مردم کردستان برای روبرو شدن با تهاجم محتوم دیگری بود. جمهوری اسلامی از یک مذاکره واقعی با هیئت نمایندگی مردم کردستان طفره می رفت و با مانورهای فریبکارانه برای خود فرصت می خرید. چنین بود که در فروردین ماه سال ۱۳۵۹ نیروهای خود را از چند جبهه به مرزهای کردستان نزدیک کرد و سرانجام تهاجم خود را از کامیاران آغاز نمود و به دروازه های شهر سنندج نزدیک شد. مقاومت حماسی ۲۴ روزه ای در این شهر صورت گرفت و این مقاومت در دیگر شهرها و روستاهای کردستان سنگر به سنگر دنبال شد. رژیم نتوانست هیچ سنگری را بدون عبور از مقاومتی جانانه فتح کند. مقاومت مسلحانه برای سالها ادامه یافت و نیروهای رژیم را در کردستان زمین گیر کرد. اگرچه رژیم سرانجام نتوانست تفوق نظامی به دست بیاورد، اما هرگز و تاکنون نیز نتوانسته است مردم را به تمکین و تسلیم وا دارد. مردم کردستان جنبش انقلابی خود را در اشکال متنوع و در سنگرهای متعدد دیگری حفظ کرده اند و کردستان انقلابی همچنان خاری است در چشم رژیم اسلامی ایران.

اگر چه مقاومت در برابر رژیم جمهوری اسلامی، گسترده و سراسری بود، اما توازن قوای داخلی برای پیشبرد برنامه حاکمیت توده ای مردم در کردستان، در همه جا یکسان نبود. علیرغم تفاوتی که در این جا و آنجا وجود داشت، علیرغم محدودیت زمانی آن، مردم کردستان برای اولین بار حاکمیت از پائین، حاکمیت شورائی را تجربه کردند، آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی را تجربه کردند، پس مانده های نظام فئودالی را جارو کردند، زمین از آن کسی شد که روی آن کار می کرد، زنان در مقیاس وسیع به میدان فعالیت های سیاسی و اجتماعی وارد شدند، نطفه های یک آموزش و پرورش مترقی بسته شد. برای نخستین بار مردم دیگر خود را زیر بار ستم و تبعیض ملی نمی دیدند، مقاومتی که بعدا در برابر تهاجم رژیم صورت گرفت، در واقع دفاع از این دستاوردها بود. اساسی ترین کمبود، کمبود تجربه و کمبود فرصت برای آماده ساختن کادرهای توانا برای اداره جامعه کردستان بود. مردمی که دهها سال حاکمیت ستم و سرکوب پادشاهی را از سر گذرانده بودند، تشکیلاتی که از بطن یک جامعه خفقان زده سربرآورده بود، برای رفع کمبودهای خود به زمان نیاز داشتند، خطر حمله رژیم جمهوری اسلامی و جنگی شدن فضای کردستان به ناچار مقاومت مسلحانه را در

۲۸ مرداد، سالروز یورش نظامی رژیم جمهوری اسلامی به کردستان است. چهل و چهار سال پیش در چنین روزی، خمینی فرمان جهاد علیه مردم کردستان را صادر کرد و لشکریان جهل و خرافه را برای سرکوب مردم مبارز و انقلابی به کردستان گسیل داشت. برای رژیمی که عزم خود را جزم کرده بود تا شور و شوق انقلابی مردم بپا خاسته ایران را فرو بنشانند و کار سرکوب انقلاب را که رژیم شاه آغاز کرده بود به سرانجام برسانند، کردستان انقلابی و شور و شوق مبارزاتی حاکم بر آن قابل تحمل نبود. اما مردم کردستان نیز و در رأس آن کمونیست ها عزم خود را جزم کرده بودند تا از آزادی و از دستاوردهای مبارزه ای که با نیروی خود به ثمر رسانده بودند دفاع کنند. مردم کردستان می خواستند آزادی را که به دست آورده بودند پاس بدارند و در همان حال مطالبات خود از دولت مرکزی را هم طی قطعنامه های ۸ ماده ای مهیاباد و سنندج که به تصویب نمایندگان مردم رسیده بود به دولت داده بودند. اما آنچه خمینی می خواست فرونشاندن شور انقلابی مردم و سرکوب انقلاب بود.

رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی که توانسته بود اعتراضات و مبارزات کارگری و توده ای را در ابعاد سراسری به خون بکشد، شوراها و تشکل ها را در سایر نقاط ایران منحل سازد، سلاح هایی را که در جریان قیام به دست مردم افتاده بود جمع آوری نماید، فضای اختناق را بر دانشگاه ها حاکم گرداند و کمیته ها و سپاه را سر و سامان دهد و ارتش را بازسازی نماید، بیش از آن نمی توانست شاهد رشد و گسترش فضای انقلابی در کردستان باشد و می بایست هر طور که شده این سنگر دفاع از آزادی و انقلاب را از سر راه بردارد.

اگرچه این فضای جنگی، شور و شوق مبارزاتی در کردستان را با غم جانباختن بسیاری از عزیزان توأم کرد و با فاجعه های جانکاهی چون اعدام کودکانی در پناه، اعدام ۱۷ نفر در سقز، رزمندگانی در پادگان مریوان و انقلابیونی در فرودگاه سنندج به دست خلخال جلا و قتل عام های "قارنا و قلاتان و ایندرفاش" و... تداوم یافت، اما از شور مبارزاتی مردم و تلاش آنان برای حفظ دستاوردهایشان و عقب نشاندن دشمن اشغالگر کم نشد و مردم مبارز همچنان مقاوم و سرافراز در سنگر دفاع از آزادی و انقلاب رزمیدند و این روز مقاومت سرفرازانه خود را در تاریخ ثبت کردند. ۲۸ مرداد سالروز ثبت این تاریخ و سالروز گرامیداشت مقاومت ها و مبارزات و فداکاری زنان و مردانی است که این تاریخ را ساختند.

طولی نکشید که حملات غافلگیرانه و وسیع نیروهای پیشمرگ از سوی و اعتراضات روزمره خیابانی توده های مردم از سوی دیگر، توازن قوا را به نفع مردم تغییر داد و رژیم را وادار به عقب نشستن و پذیرش آتش بس و آمدن به پای میز مذاکره نمود. بازگشت دوباره نیروی پیشمرگ سازمان های سیاسی به شهرها و استقبال شکوهمند مردم از آنان و رونق گیری فعالیت های سیاسی و شکل گیری شوراها و تشکل های گوناگون و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، عملاً شکست یورش ددمنشانه ۲۸ مرداد سال ۵۸ رژیم را اعلام کرد و جنبش انقلابی کردستان را به فاز دیگری از مقاومت و مبارزه وارد ساخت.

مردم کردستان گرچه در جریان یورش رژیم خسارات جانی و مالی غیرقابل جبران و فراوانی را متحمل شدند، اما تسلیم نشدند. آنان به دشمن فهماندند که با همه امکانات نظامی و نیروی انسانی خود نمیتواند

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در محکومیت تهدیدات جمهوری اسلامی برای خلع سلاح

نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق!

بحران های عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه، که ایران را به سوی انفجاری ساختار شکن برده از یک طرف و رشد و تعمیق مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان، فرهنگیان، بازنشستگان و سایر جنبش های اجتماعی از طرف دیگر، امان این را به رژیم ترور و اعدام نخواهد داد تا با توسل به خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون از مهلکه ای که گریانش را گرفته است، خلاصی یابد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست تهدیدات قلدرمنشانه رژیم اسلامی را بر علیه نیروهای اپوزیسیون، پناهندگان و مردم زحمتکش نوار مرزی کردستان عراق قویا محکوم می کند و از همه نیروهای آزادیخواه و انقلابی درخواست می کند که با پشتیبانی و همگامی با جنبش های اجتماعی در ایران که "پاشنه آشیل" این رژیم رو به زوال است، صدای مبارزات انقلابی توده های پیاخته کار و زحمت را به هر شکل ممکن از قبیل اعتصاب و اعتراضات خیابانی در سالگرد خیزش انقلابی شهریور ماه رساتر سازند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از نیروهای جنبش سوسیالیستی و نیروهای پیشرو و ترقی خواه در کردستان عراق انتظار دارد که با دامن زدن به فعالیت تبلیغی و روشنگرانه در مورد ماهیت ارتجاعی سیاست ها و اهداف جمهوری اسلامی، هزینه سیاسی این اعمال جنایتکارانه و تروریستی را سنگین تر کنند.

سرنگون باد

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

۱۵ شهریور ۱۴۰۲

۶ سپتامبر ۲۰۲۳

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

در آستانه سالگرد قتل حکومتی ژینا (مهسا) امینی که آغازگر جنبش انقلابی سراسری شد، رژیم جمهوری اسلامی در هراس از شعله ور شدن دوباره اعتراضات توده ای و در ادامه اعمال تروریستی بار دیگر تهدیدات خود برای خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق را از سر گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی از برپا کردن این جار و جنجال تبلیغاتی و تهدید به موشک باران اردوگاه های نیروهای اپوزیسیون و تعیین ضرب العجل برای خلع سلاح این نیروها اهداف چند گانه ای را تعقیب می کند. رژیم اسلامی درمانده و عاجز در برابر تداوم مبارزات و جنبش های اعتراضی در داخل ایران در تلاش است اذهان عمومی در ایران و منطقه را از تداوم خیزش انقلابی منحرف و به بحران آفرینی در بیرون از مرزهای ایران جلب نماید.

در حالی که یکی از جلوه های شکوهمند مبارزات مردم کردستان در این دوره اتحاد و همبستگی با جنبش انقلابی در سراسر ایران بوده است، رژیم اسلامی با دروغ پردازی و اهدافی تفرقه اندازانه می خواهد جنبش اعتراضی و توده ای در کردستان را از جنبش سراسری جدا کرده و آن را نتیجه و تحرک نظامی نیروهای مستقر در کردستان عراق معرفی نماید. رژیم جمهوری اسلامی در حالی که در رقابت با قدرت های رقیب منطقه ای موقعیتش در خاورمیانه تضعیف شده است می خواهد با تکیه بر نفوذی که بر گروه های اسلامی شیعه سپیم در ساختار قدرت در عراق و حشد الشعبی دارد این شکست ها را تا حدودی جبران کند. از این روی طی قراردادی زمان بندی شده با دولت مرکزی عراق برای خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون در اقلیم کردستان تلاش دارد با سیاست تجاوزکارانه، دامن زدن به تروریسم و مداخله گری ها و با بی ثبات کردن بیشتر منطقه خود را برای دوره جدید از جدال و کشمکش در عراق و منطقه آماده کند. تردیدی نیست رژیمی که تنها با اتکا به سرکوب و اقدامات تروریستی و تجاوزکارانه اش سر پا ایستاده در این پروژه شوم نیز شکست خواهد خورد.

راس همه اشکال مبارزه و مقاومت قرار داد و فرصت کافی برای تعمیق و گسترش این دست آوردها بدست نیامد.

اکنون در چهل و چهارمین سالروز ۲۸ مرداد و در آستانه سالروز جنبش انقلابی ژینا از درسهای این مقاومت پرفراز و نشیب و پر از قهرمانیها بیاموزیم.

یکی از مهمترین درس های این تجربه این است که از هم اکنون برای هرچه نیرومندتر کردن گفتمان حاکمیت شورایی مردم در کردستان تلاش کنیم؛ در سازمان دادن شوراهای محل کار و زیست تأخیر نکنیم؛

با وزیدن نخستین نسیم آزادی و بهبود توازن قوا، کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده کردستان باید قدرت خود را از پائین و از طریق ایجاد شوراها و نهادهای حاکمیت توده ای برقرار سازند. در این رابطه تجربه شوراهای محلات در شهر سنندج (بنکه ها) بسیار آموزنده است؛

در گام نخست باید به تشکیل شوراهای محلات، کارگاهها، روستاها، اقدام نمود. در گام بعدی و با تغییر بیشتر توازن قوا به نفع جبهه انقلاب، باید به تشکیل شورای شهرها اقدام نمود. در واقع با عقب نشینی رژیم، باید خلاء حاکمیت و مدیریت را پر کرد؛

با فروپاشی نیروهای مسلح رژیم در کردستان کارگران و مردم زحمتکش باید در ابعاد توده ای مسلح شوند و با نیروی مسلح خود از حاکمیت و دستاوردهای خود حفاظت کنند؛

باید بلافاصله کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه زنان لغو گردد و برابری کامل حقوق زن و مرد در همه عرصه های زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی اعلام گردد؛

باید اصل آزادیهای بی قید و شرط سیاسی و جدائی دین از دولت و آموزش و پرورش را اعلام کرد؛

باید از قبل برای پاسخ فوری به نیازهای عاجل اقتصادی مردم، برای مقابله با فلاکت اقتصادی نقشه داشت؛

بایستی تفرقه اندازیهای ملی و مذهبی را خنثی کرد؛

بایستی دلسوزانه و مسئولانه برای پایان دادن به ستمگری ملی تلاش نمود و برای آن طرح برنامه معین ارائه داد؛ بایستی مطابق یک نقشه راه عملی و اساسا با تکیه بر حضور مردم در صحنه سیاسی جامعه از رویارویی گروهها و احزاب مسلح جلوگیری کرد، رادیکالیسم در چنین عرصه هائی معنی پیدا خواهد کرد.

کومه له به عنوان بستر اصلی جنبش سوسیالیستی در کردستان در همکاری با دیگر نیروهای چپ و کمونیست در کردستان و در پیوند با جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی در سراسر ایران پیگیرانه تلاش می کند جامعه کردستان را از گذرگاههای سخت عبور دهد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد حاکمیت شورایی مردم در کردستان

کمیته مرکزی کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۲۵ مرداد ۱۴۰۲ ۱۶ اوت ۲۰۲۳

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در گرامیداشت یاد و خاطره جان فشاندگان تابستان ۶۷



در خلوت روشن با تو گریسته ام
بخاطر زندگان

و در گورستان تاریک با تو خوانده ام
زیباترین سرودها را
زیرا که مُردگان این سال
عاشق ترین زندگان بوده اند.

از قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ سی و پنج سال گذشته است. کشتاری هولناک و خونین که بعد از پذیرش قطعنامه پایان جنگ به فرمان مستقیم خمینی جلاد صورت گرفت. ۲۷ تیر ۱۳۶۷، روز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل توسط جمهوری اسلامی بود. قطعنامه ای که بر پایه پایان دادن بر ۸ سال جنگ ویرانگر میان دو رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران و عراق تدوین شده بود، دو روز بعد از پذیرش قطعنامه، در شامگاه ۲۹ تیر، خمینی بر صفحه تلویزیون ظاهر شد و با چهره ای مغموم و شکست خورده در جملاتی کوتاه پایان جنگ را اعلام کرد. چهره مغموم و درهم تنیده خمینی در آن لحظاتی که اعلام کرد، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل برای او به منزله نوشیدن "جام زهر" است، واقعا دیدنی بود.

سرشکستگی، درماندگی و خواری جام زهری را که خمینی در شامگاه ۲۹ تیر سر کشید، و نگرانی از خیزش توده های عاصی از پیامدهای جنگ ویرانگر ۸ ساله، خمینی را بر آن داشت که برای جبران اقتدار شکست خورده اش و رفع خطر خیزش توده های مردم چاره ای بیاندیشد. از نگاه جلاد مقتدر جمهوری اسلامی و همه آدمکشان پیرامونی او، سریعترین، کوتاه ترین و سهل الوصول ترین راه جبران رسوایی و بی اعتباری نظام و در دسترس ترین اقدام برای مرعوب کردن جامعه، کشتار زندانیان سیاسی بود. زندانیانی که در چهاردیواری زندان های رژیم اسیر و گرفتار بودند. انبوه زندانیانی که نه راه فرار داشتند و نه صدایشان به گوش کسی می رسید. با پذیرش قطعنامه پایان جنگ، فرمان کشتار زندانیان نیز توسط خمینی جلاد صادر شد. زندان ها به مدت دو ماه قرنطینه شدند. ملاقات ها قطع و

هرگونه ورود و خروج افراد به داخل و بیرون زندان حتی برای پرسنل زندان ممنوع شد. ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی در سکوت و بی خبری محض به حرکت درآمد. نهادهای حقوق بشری در تمامی روزها و ماه های کشتار بکلی حفاقت گرفتند. هیأت های ویژه مرگ به سرعت در سراسر کشور سازماندهی و با اسم رمز "هیأت عفو" راهی زندان ها شدند. مخوف ترین "هیأت مرگ" در تهران، مرکب از مرضی اشراقی (دادستان وقت)، ابراهیم رئیسی (معاون وقت دادستان و رئیس جمهور فعلی رژیم)، حسینعلی نیری (حاکم شرع وقت) و مصطفی پورمحمدی (نماینده وزارت اطلاعات و وزیر دادگستری کابینه اول حسن روحانی) شکل گرفت. هیأتی که کشتار هزاران زندانی سیاسی را در اوین و گوهردشت رقم زد. پروسه کشتار در اوین و گوهردشت با کشتار زندانیان مجاهد از پنجم مرداد ۱۳۶۷ شروع و تا هفته پایانی مرداد ماه ادامه یافت. قتل عام زندانیان چپ و کمونیست در پنجم شهریور کلید خورد و در ۲۵ شهریور متوقف شد. عین همین پروسه در زندان های سراسر کشور پیش رفت. و بدین سان در بازه زمانی کمتر از دو ماه، بیش از پنج هزار زندانی سیاسی در "حسینیه" زندان ها و "اتاق" های مرگی که جمهوری اسلامی برای کشتار زندانیان تدارک دیده بود، حلق آویز شدند.

کشتار تابستان ۶۷، آنچنان رعدآسا و فاجعه بار بود که با گذشت ۳۵ سال هنوز هم از زخم این جنایت هولناک خون شتک می زند. هنوز هم صدای بند و سلسله و دار از آن روزهای کشتار و مرگ به گوش می رسد. فتوای قتل عام خمینی آنچنان سنگین و رعب آور بود که با گذشت این همه سال، هنوز زخم های مانده بر چهره بازماندگان آن جنایت بزرگ، عمق فاجعه را بازتاب می دهد. هنوز جامعه در لهیب آتش آن کشتار دهشتناک می سوزد. هنوز چهره خمینی با نقاب تزویر و مرگ بر فراز کشور سایه افکنده است. تصویری خوفناک که از همان نخستین روزهای به قدرت رسیدن فریاد برکشید: "بشکنید این قلم ها را، بکشید منافقین و کفار را". زخم برجای مانده از قتل عام هزاران زندانی سیاسی آن چنان عمیق و جان فرسا بود که هنوز خانواده های آن عزیزان جانفشانده نتوانسته اند دردها و ویرانی حاصل از این فاجعه را در خود التیام دهند. و بعضا در رویاهای نافرجام خود بازگشت فرزندانشان را

انتظار می کشند. و این چقدر غم انگیز است. کشتار نخستین سال های دهه ۶۰ و کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ که در فرایند شکست یک انقلاب بزرگ صورت گرفت، برای سال های متمادی جامعه را در رخوت و سکون و سکوت فرو برد. گذشت سال های متمادی لازم بود تا جامعه و توده های مردم ایران بتوانند از زیر آوار سنگین سرکوب و کشتار دهه ۶۰ بیرون آیند. سال ها لازم بود تا مردم بی لبخند و شکستگان آن سال های دور سپری شده، دوباره برخیزند. آنچنان که در دیماه ۹۶ برخاستند. آنچنان که در آبان ۹۸، بالا بلند قد بر کشیدند. آنچنان که در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، در پی قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی، پر طنین تر از امواج برخاستند. آنچنان برخاستنی که در قالب خیزش و قیام و نبردهای خیابانی تا مرز سرنگونی رژیم سفاک و آدمکش جمهوری اسلامی پیش رفتند. توده ها و مردم دلاوری که در شش سال گذشته، در فراسوی آن همه کشتار و جنایت و فاجعه، بار دیگر سلحشورانه بپا خاسته اند تا با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان، در مسیر آزادی و سوسیالیسم، سرنوشت خود را رقم زنند.

همزمانی سی و پنجمین سالگرد یادمان جانفشاندگان کشتار تابستان ۶۷ که با نخستین سالگرد قتل مهسا امینی و گرامی داشت جانفشانان جنبش انقلابی سال گذشته در آمیخته است، فرصتی است بزرگ برای عموم توده های مردم ایران، بویژه توده های کار و زحمت که در گستره ای وسیعتر از جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" به مصاف با جمهوری اسلامی برخیزند.

گرامی باد یاد و خاطره همه آن عزیزانی که در این سال های پر رنج سپری شده در راه آزادی و سوسیالیسم جان باختند. جان فشاندگانی که عاشق ترین زندگان این سال ها بودند.

سرنگون باد

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲۵ مرداد ۱۴۰۲

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



مرگ خاموش شش کارگر در معدن طزره دامغان!

اما یک ارزیابی کارشناسانه از رویدادها، این حقیقت را اثبات می نماید که همه این قربانی ها ناشی از سودجویی، حرص و طمع کارفرمایان و دولت حامی آنان می باشد. سرمایه داران و صاحبان صنایع حاضر نیستند بخشی از سودی را که از خون کارگران می مکند را هزینه تأمین ایمنی محیط کار کنند و رژیم جمهوری اسلامی هم تداوم استثمار کارگران در این شرایط بردگی آور را برای آنان تضمین کرده است. بنابراین کارگران باید کارفرما و دولت را مسبب اصلی وقوع حادثه محیط کار بدانند. هر تک مورد از حوادث ناشی از ناامنی محیط کار، باید در ردیف یک جرم جنایی تلقی شود و کارفرمایان و ارگان های دولتی ذیربط باید مواخذه شوند.

واقعیت این است که کارفرمایان از سر سودپرستی و حرص و آزی که دارند، نه تمایلی به بهبود امنیت محیط کار دارند و نه نگران از دست دادن کارگران در نتیجه رویدادهای محیط ناامن کار می باشند. اینها حتی این نگرانی را هم ندارند، که کارگرانی از بیم جان شغلشان را رها کنند. چون می دانند هر آن که اراده کنند

می توانند از میان خیل میلیونی ارتش ذخیره کار، کارگران دیگری را به کار گمارند و در همان محل و محیط غیر استاندارد و ناامن کار، هر کار شاقی را به آنان تحمیل کنند. بنابراین تا زمانی که خروش انقلاب کارگران و مردم زحمتکش بساط رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری را درهم نپیچیده است، این خود کارگران هستند که باید به فکر

خویش باشند و با اتکاء به مبارزات متشکل و نقشه مند خود کارفرمایان و دولت را وادار به تأمین امنیت محیط کار خود بنمایند. تأمین ایمنی محیط کار هم مثل هر مطالبه دیگری تنها به نیروی مبارزه و همبستگی طبقاتی کارگران به سرمایه داران و دولت حامی آنان تحمیل می شود.

خود را از دست می دهند و یا زخمی می شوند را هم اضافه کنید. یعنی کارگران در محیط کار به اندازه یک جنگ تلفات می دهند. استان های تهران، اصفهان و خراسان بیشترین مرگ ناشی از حوادث در محیط کار را داشتند. یکی از مهمترین عوامل افزایش آمار حوادث در محل کار طی سال های گذشته، عدم رعایت ایمنی از سوی کارفرمایان گزارش شده است. کارشناسان معتقدند که حوادث در حوزه کار ساختمانی بیشترین آمار از تلفات نیروی کار را به خود اختصاص می دهد. آنطور که آمارها می گوید بیش از ۵۰ درصد حوادث ناشی از کار در کارگاه های ساختمانی اتفاق می افتد. آمارهای "سازمان تأمین اجتماعی، و مرکز آمار ایران" حاکی از آن هستند که، از هر سه کارگر ساختمانی، تنها یک نفر آنان به سن بازنشستگی میرسد و دو نفر دیگر، اگر شانس بیاورند و از مرگ رهایی یابند، معلول و از کار افتاده می شوند. آنچه روشن است، نه تنها در بخش کار ساختمانی بلکه در اکثر محیط های کار و تولید در ایران سطح استانداردهای ایمنی بسیار نازل است و همواره خطر مرگ، مصدومیت و نقص عضو، و یا ابتلاء به انواع بیماری های



مهلک و کشنده، جان و حیات کارگران را تهدید می کند. با این وجود مدیران و مسئولین دوائر ذیربط هر حادثه ای در کارگاهها، کارخانه ها و دیگر مراکز کار را به سهل انگاری و بی احتیاطی کارگران ربط می دهند، و نه به فقدان اسباب و ادوات ایمنی و یا غیر استاندارد بودن محل های کار و فشارهای مضاعف کار که به خستگی و بهم ریختن حواس و تعادل فکری کارگران می انجامد.

شبانگاه یکشنبه ۱۲ شهریور ماه در پی وقوع انفجار در در عمق ۴۰۰ متری تونل رزمجای غربی معدن زغال سنگ طزره در شمال شرقی شهرستان دامغان شش تن از کارگران به نام های بهروز افروز، قربان علی کمال، حسین غزائیان، حمید ایزدی، ابوالفضل غنایی و محمد نعیمی صفت جان خود را از دست دادند. دلیل وقوع این انفجار تجمع گاز ذکر شده است. به گفته منابع مستقل از نهادهای حکومتی، معدن زغال سنگ طزره تحت نظارت معادن زغال سنگ شرکت البرز شرقی فعالیت بهره برداری دارد و در چند سالی که از فعالیت این معدن می گذرد، نظارت بر فعالیت آن بسیار کم بوده و پیش از این نیز حوادث مشابهی در این معدن رخ داده است. بنا به گزارش ها در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ نیز در اثر ریزش در همین معدن دو تن از معدنکاران جان خود را از دست داده اند.

این خبرهای دلخراش، این مرگهای خاموش فقط گوشه ای از فجاج ناشی از نبود وسایل ایمنی در محیط های کار در گوشه و کنار ایران را منعکس می کنند. موارد زیادی از اخبار مربوط به حوادث محیط کار هرگز گزارش نمی شوند

و به ستون اخبار حوادث روزنامه ها راه نمی یابند. بر اساس پژوهش های انجام گرفته در سالهای اخیر به دلیل تشدید استثمار کارگران و افزایش مشکلات معیشتی و فقدان وسائل ایمنی، حوادث محیط کار افزایش پیدا کرده است. بنا به گزارش معاون پزشکی و آزمایشگاهی سازمان پزشکی قانونی ایران در سال گذشته مجموعاً ۲۶ هزار و ۷۴ مصدوم در حوادث محیط کار به مراکز پزشکی

قانونی مراجعه کرده اند بنا به این گزارش ۱۹۰۰ کارگر در حوادث محیط کار در سال ۱۴۰۱ جان خود را از دست داده اند. این در حالی است که وزارت کار رژیم اسلامی برای پنهان کردن عمق فاجعه تنها ۷۱۱ مورد مرگ ناشی از کار را تأیید می کند.

به این آمار شمار کولبران و سوختبرانی که در مرزهای کردستان و سیستان و بلوچستان در اثر تیراندازی مزدوران رژیم اسلامی جان